



بررسی تحلیلی آماری

تأثیر گذاری نرخ ارز بر تراز تجاری در ایران

۱۳۷۰-۱۳۹۵

مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران

مجری طرح و تهیه کننده: مورشین جوان

به نام خدا

فهرست مطالب:

- ۱- مقدمه ۴
- ۲- اهمیت موضوع ۵
- ۳- علل بی ثباتی بازار ارز ۷
- ۴- مبانی نظری تأثیرات نرخ ارز ۱۱
- ۵- تجزیه و تحلیل و بحث ۱۷
- ۱-۵- وضعیت کلی صادرات و واردات و تراز تجاری ۱۷
- ۲-۵- تأثیر نرخ ارز بر محصولات صادراتی عمده ۲۸
- ۳-۵- تأثیر نرخ ارز بر محصولات وارداتی ۳۹
- ۶- جمع بندی ۴۳

فهرست نمودارها:

- نمودار ۱: روند سهم کالاهای قابل مبادله در تولید ناخالص داخلی ۶
- نمودار ۲: ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سال های ۱۳۷۰-۹۵ (میلیون دلار) ۱۸
- نمودار ۳: ارزش واردات ایران در سال های ۱۳۷۰-۹۵ (میلیون دلار) ۱۸
- نمودار ۴: تراز تجاری غیرنفتی ایران طی سال های ۱۳۷۰-۹۵ ۲۱
- نمودار ۵: ارزش صادرات غیرنفتی و نرخ اسمی دلار طی سالهای ۱۳۸۳-۹۵ ۲۴
- نمودار ۶: مقدار صادرات غیرنفتی و نرخ اسمی دلار طی سالهای ۱۳۸۳-۹۵ ۲۴
- نمودار ۷: ارزش واردات و نرخ اسمی دلار طی سالهای ۱۳۸۳-۹۵ ۲۵
- نمودار ۸: مقدار واردات و نرخ اسمی دلار طی سالهای ۱۳۸۳-۹۵ ۲۵
- نمودار ۹: ارزش صادرات پتروشیمی و نرخ اسمی دلار طی سالهای ۱۳۸۳-۹۵ ۳۰
- نمودار ۱۰: مقدار صادرات پتروشیمی و نرخ اسمی ارز طی سال های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۰

- نمودار ۱۱: ارزش صادرات گاز و میعانات گازی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۱
- نمودار ۱۲: مقدار صادرات گاز و میعانات گازی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۲
- نمودار ۱۳: ارزش صادرات فولاد و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۴
- نمودار ۱۴: مقدار صادرات فولاد و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۴
- نمودار ۱۵: ارزش صادرات خودرو و قطعات آن و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۵
- نمودار ۱۶: مقدار صادرات خودرو و قطعات آن و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۶
- نمودار ۱۷: ارزش صادرات سیمان و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۷
- نمودار ۱۸: مقدار صادرات سیمان و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۷
- نمودار ۱۹: ارزش صادرات سایر کالاها و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۹
- نمودار ۲۰: مقدار صادرات سایر کالاها و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۳۹
- نمودار ۲۱: واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۴۰
- نمودار ۲۲: واردات کالاهای سرمایه‌ای و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۴۱
- نمودار ۲۳: واردات کالاهای مصرفی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۴۱
- نمودار ۲۴: واردات کالاهای طبقه بندی نشده و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۴۲
- نمودار ۲۵: تراز تجاری و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ ۴۲

فهرست جداول:

- جدول ۱: سهم کالاهای قابل مبادله در تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ ۶
- جدول ۲: رشد ارزش صادرات غیر نفتی و واردات و تراز تجاری (خالص صادرات) غیر نفتی ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۰ ۱۹
- جدول ۳: ارزش و مقدار صادرات غیرنفتی و واردات و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳ ۲۳
- جدول ۴: مقدار صادرات غیرنفتی به تفکیک طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳ ۲۶
- جدول ۵: واردات بر حسب نوع مصرف طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳ ۲۷

در جهان امروز توسعه ملی بدون در نظر گرفتن تجارت خارجی قابل تصور نیست. بررسی جوانب تحولات اقتصادی ملل جهان بعد از انقلاب صنعتی نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته جهان با استفاده از بخش مهم و تأثیرگذار صادرات توانسته‌اند بر قدرت سیاسی و اقتصادی خود بیفزایند. این مهم باعث شده است که اکثر کشورهای در حال توسعه، راه‌حل‌هایی از توسعه نیافتگی خود را در تجارت جهانی و بین‌المللی جستجو کنند و دست به اقداماتی در خصوص اصلاح ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بزنند.

اقتصاددانان نیز اهمیت ویژه‌ای برای صادرات و بالاجاه صادرات غیرنفتی در روند توسعه اقتصادی قائل هستند و از آن به عنوان موتور رشد اقتصادی نام می‌برند. تا جایی که بسیاری از تحلیل‌گران راه برون‌رفت از اقتصاد وابسته به درآمد نفت را در توسعه صادرات غیرنفتی می‌بینند. در اسناد قانونی موجود همچون سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، قانون‌های برنامه توسعه پنج ساله سوم، چهارم، پنجم و همچنین در ارکان برنامه ششم؛ موضوع صادرات غیرنفتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین می‌توان گفت استراتژی توسعه پایدار کشور به لحاظ اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی است. صادرات غیرنفتی تابعی از متغیرهای بسیاری اعم از نرخ ارز است. نرخ ارز یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی در هر کشوری است. در اقتصاد ایران یکی از دلایل اهمیت این متغیر، تأثیری است که آن بر قیمت‌های نسبی (رقابت‌پذیری)، صادرات، واردات، تخصیص منابع، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی و سایر متغیرهای اقتصادی دارد. نکته حائز اهمیت این است که نوسانات نرخ ارز یکی از عوامل مهمی است که سبب تأثیر بر بخش بازرگانی و از جمله صادرات غیرنفتی هر کشور می‌شود. اهمیت و تأثیر بالای نرخ ارز بر صادرات و واردات ایران به حدی است که گروهی آن را مهمترین عامل در تبیین تحولات صادرات و واردات کشور دانسته‌اند. اختلاف نظرهای موجود درباره میزان کنونی نرخ ارز و آثار و مشکلاتی که صادرکنندگان و تولیدکنندگان داخلی در مواجهه با نرخ ارز موجود دارند، لزوم بررسی دقیق‌تر این رابطه را ضروری می‌کند. بنابراین برآن شدیم که جهت بررسی سئوالات زیر این مطالعه انجام شود. علل بی‌ثباتی‌های ارزی اخیر چه عواملی بوده است؟ این بی‌ثباتی‌ها چه تأثیری بر متغیرهای کلان اقتصادی خصوصاً صادرات کشور داشته است؟

از این رو در این مطالعه سعی خواهد شد به ابعاد مختلف تأثیرگذاری نوسانات ارزی بر تراز تجاری کشور توجه ویژه‌ای شود. در این راستا، رویکرد گزارش حاضر به این صورت است که پس از بیان مقدمه و اهمیت موضوع، علل بی‌ثباتی نرخ ارز در ایران تجزیه و تحلیل خواهد شود. سپس در ادامه به مبانی نظری مربوط به تأثیر نوسانات ارزی بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته می‌شود. در انتها به بحث و جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری گزارش پرداخته

می‌شود. همچنین در پیوست اشاره مختصری به چندین مقاله علمی و مطالعه که در ارتباط با گزارش حاضر هستند خواهد شد.

۲- اهمیت موضوع

نرخ ارز خارجی یکی از قیمت‌های کلیدی در تعیین کارایی نظام اقتصادی در هر کشور است و مانند هر قیمت دیگری باید تعیین آن با عوامل بنیانی شکل‌دهنده عرضه و تقاضای آن سازگار باشد. نرخ ارز متغیر کلیدی در تعدیل و تنظیم ورود و خروج سرمایه و صادرات و واردات کالا در یک اقتصاد است.

نرخ ارز یکی از عوامل مهم در حفظ قدرت رقابتی اقتصاد کشور در بازارهای بین‌المللی و در نتیجه توان صادرات غیرنفتی کشور و عامل مهمی در رهایی از وابستگی به صادرات نفتی است. نرخ ارز علاوه بر حفظ قدرت رقابتی اقتصاد کشور در بازارهای بین‌المللی، یکی از عوامل موثر در حفظ قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر سیل واردات کالاهای خارجی است که به وسیله درآمدهای ارزی حاصل از نفت تامین مالی می‌شود. هر اقتصاددانی می‌داند که تعیین نرخ ارز در اقتصاد کشورها نقشی بسیار مهم در حفظ ثبات، پویایی و رشد و توسعه اقتصادی آن کشور ایفا می‌کند؛ بنابراین خطایی کوچک در تعیین نرخ ارز، می‌تواند هزینه‌های بزرگ برای اقتصاد کشور در پی داشته باشد^۱.

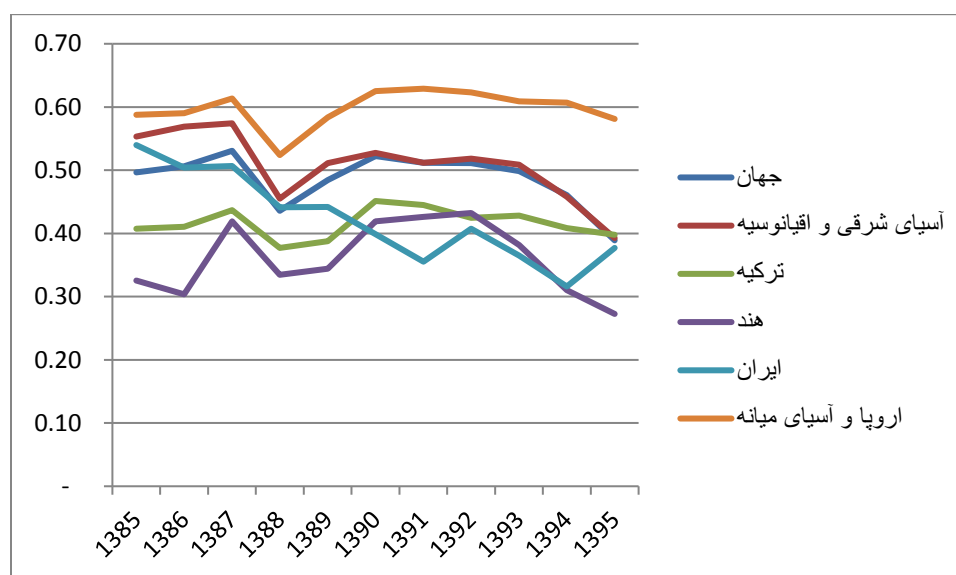
از آن جایی که در اقتصاد ایران سهم کالاهای قابل مبادله (صادرات بعلاوه واردات) در تولید ناخالص داخلی بالا ارزیابی می‌شود، لذا هرگونه تنظیم نادرست این نرخ می‌تواند از طریق اثرگذاری بر قیمت‌های نسبی منجر به اختلال در تخصیص منابع و عملکرد اقتصادی شود. در جدول ۱ سهم کالاهای قابل مبادله در تولید ناخالص داخلی برای برخی مناطق و از جمله ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ نشان داده شده است. همانطور که در نمودار ۱ هم ملاحظه می‌شود روند این سهم اگرچه در ابتدا نسبت به متوسط جهانی بالا بوده است، اما طی سال‌های اخیر این سهم کاهش یافته است. البته می‌توان برای این کاهش به دلایلی از جمله تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد. با توجه به نقش صادرات غیرنفتی در تحقق اقتصاد مقاومتی در چارچوب برنامه ششم توسعه و اهمیت توسعه آن، توجه به عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

^۱ آکادمی اقتصاد - حمید زمان زاده - خطاهای بزرگ نظام تعیین نرخ ارز در ایران

جدول ۱: سهم کالاهای قابل مبادله در تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵

| ۱۳۹۵ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۰ | ۱۳۸۹ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۵ | |
|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|--------------------------|
| 0.38 | 0.32 | 0.36 | 0.41 | 0.36 | 0.40 | 0.44 | 0.44 | 0.51 | 0.50 | 0.54 | ایران |
| 0.39 | 0.46 | 0.50 | 0.51 | 0.51 | 0.52 | 0.48 | 0.44 | 0.53 | 0.51 | 0.50 | جهان |
| 0.39 | 0.46 | 0.51 | 0.52 | 0.51 | 0.53 | 0.51 | 0.46 | 0.57 | 0.57 | 0.55 | آسیای شرقی واقیانوسیه |
| 0.40 | 0.41 | 0.43 | 0.42 | 0.45 | 0.45 | 0.39 | 0.38 | 0.44 | 0.41 | 0.41 | ترکیه |
| 0.27 | 0.31 | 0.38 | 0.43 | 0.43 | 0.42 | 0.34 | 0.33 | 0.42 | 0.30 | 0.33 | هند |
| 0.58 | 0.61 | 0.61 | 0.62 | 0.63 | 0.63 | 0.58 | 0.52 | 0.61 | 0.59 | 0.59 | اروپا و آسیای میانه |

منبع: سایت بانک جهانی. اطلاعات ایران از سایت مرکز آمار ایران استخراج شده است.



نمودار ۱: روند سهم کالاهای قابل مبادله در تولید ناخالص داخلی

کاهش نرخ ارز از طریق کاهش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش قیمت کالاهای صادراتی، قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی را در بازارهای داخلی و خارجی کاهش داده و در نتیجه اثر منفی بر میزان درآمد، اشتغال نیروی کار و بازدهی سرمایه‌گذاری در داخل برجای می‌گذارد. در مقابل کاهش نرخ ارز قیمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی را به طور مستقیم کاهش داده، در نتیجه با کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری موجبات افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و به دنبال آن افزایش سرمایه‌گذاری و تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای را فراهم خواهد کرد. بنابراین در مجموع برآیند این دو اثر متضاد، اثر خالص تغییر نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری را روشن خواهد نمود.

سیاست نرخ ارز واقعی (بدون ارزش‌گذاری تصنعی) با افزایش صادرات و کاهش واردات می‌تواند انگیزه را برای انتقال منابع در راستای افزایش درآمد ملی افزایش دهد. اما در کنار این آثار مثبت، دارای تبعات منفی نیز است. با گران شدن ارز خارجی، ارزش بدهی‌های خارجی شرکت‌ها و در صورت وجود خانوارها افزایش می‌یابد. همچنین در شرکت‌های تولیدی که دارای وابستگی بسیاری به نهاده‌های وارداتی هستند نیز بهای تمام شده افزایش خواهند یافت. این امر سبب کاهش حاشیه سود شرکت‌ها و افزایش تورم انتظاری می‌شود. کاهش ارزش پول ملی سیگنال‌های منفی به عوامل اقتصادی خواهد داد و سبب کاهش اعتماد آن‌ها می‌شود و نهایتاً با خروج سرمایه ناشی از کاهش ارزش پول ملی مواجه خواهیم شد.

بنابراین در این مطالعه سعی بر این است که به بررسی وضعیت نرخ ارز در ایران و اثرات آن بر تراز تجاری پرداخته شود.

۳- علل بی‌ثباتی بازار ارز

اگرچه نوسانات ارزی در چند ماه اخیر بشدت افزایش یافت، اما عواملی مختلفی اعم از تصمیمات سال‌های گذشته و برخی تصمیمات جدید در شکل‌گیری این نوسانات مهم بوده‌اند. در نظریات اقتصادی عوامل بنیادین روند بلندمدت نرخ‌های برابری پول کشورها را تعیین می‌کنند. اگر در کشوری نرخ رشد اقتصادی کاهش یابد، نرخ تورم افزایش یابد، عرضه پول داخلی آن کشور به دلیل سیاست‌های انبساطی پولی افزایش یابد، کسری بودجه دولت افزایش یابد و یا کسری تجارت خارجی در آن افزایش یابد، در آن صورت ارزش پول آن کشور در مقابل سایر پول‌ها کاهش خواهد یافت. در ادامه به برخی از عوامل اصلی این نوسانات اشاره می‌شود:

• فزونی نرخ تورم داخلی نسبت به تورم خارجی

گروهی از کارشناسان معتقدند که زمینه‌ساز این جهش‌ها، فزونی نرخ تورم در کشور ما بر نرخ تورم در کشورهای طرف معامله ما است. از این دیدگاه، تفاضل نرخ تورم داخلی و خارجی، اصلاح تدریجی نرخ ارز را ضروری می‌سازد. چنانچه این اصلاح صورت نگیرد و با دخالت بانک مرکزی در بازار، نرخ ارز «سرکوب» شود، پس از مدتی تفاضل انباشته‌شده تورم داخلی و خارجی به انبار باروتی تبدیل می‌شود که دیر یا زود و با یک «تلنگر» منفجر می‌شود و جهش‌های خسارت‌بار نرخ ارز را پدید می‌آورد. به اعتقاد این گروه، هر گاه بانک مرکزی با سیاستی شفاف و اعلام‌شده، تفاضل تورم داخلی و خارجی را به تدریج و با آهنگی ملایم اصلاح کند، احتمال بروز جهش‌های ناگهانی به شدت کاهش می‌یابد و بازار ارز از ثبات نسبی برخوردار خواهد شد. از این منظر، راه‌حل ریشه‌ای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی، مبارزه با علت مساله، یعنی تورم مزمن در کشور ما است که نرخ آن به میزان قابل توجهی از نرخ تورم در کشورهای طرف معامله ما بیشتر بوده و هنوز هم هست.

نرخ تورم از سال ۱۳۹۲ به بعد روندی نزولی را طی کرده است و طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ارقام تک رقمی رسیده است. از این جهت روند مثبتی در اقتصاد ایران رخ داده است. عوامل متعددی در کاهش این متغیر تأثیر داشته‌اند از جمله کاهش قیمت‌های جهانی، ثبات نرخ ارز و کاهش تورم انتظاری. اگرچه تورم ایران طی سال‌های اخیر تک رقمی بوده است، اما نکته قابل توجه این است که نرخ تورم ایران حتی بعد از تک رقمی شدن از ارقام متوسط جهانی بالاتر است. یعنی حتی پس از تک رقمی شدن، نرخ تورم ایران در مقیاس جهانی نرخ بالایی محسوب می‌شود. طبیعی است که انباشت تورم طی سال‌های گذشته در نهایت فشار بر کاهش ارزش پول را در پی داشته باشد.

اما دولت‌ها به دلایل گوناگونی افزایش نرخ ارز را خوش نمی‌دارند، لذا با تزریق ارز به بازار و افزایش عرضه آن، از افزایش نرخ آن جلوگیری می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که تنها در دوره‌هایی که ذخایر ارزی محدود است، یا حفظ این ذخایر برای نیازهای احتمالی آینده ضرورت داشته باشد، در تزریق ارز به بازار احتیاط می‌شود. گروهی از کارشناسان اقتصادی نیز از این سیاست حمایت می‌کنند و سرکوب نرخ ارز را به نفع اقتصاد و تولید کشور می‌دانند. آنان بر این عقیده‌اند که منادیان تضعیف پول ملی و افزایش نرخ دلار این واقعیت را در نظر نمی‌گیرند که صنعت ما، صنعت بومی صفر تا صدی نیست و به دلیل وابستگی شدیدی که تولیدکنندگان ما برای تولید محصول به مواد اولیه و نهاده‌های تولید وارداتی دارند، هر چه به نرخ دلار افزوده شود هزینه‌های تولید و قیمت

تمام شده محصولاتشان در مقایسه با تولیدات مشابه سایر کشورها افزایش پیدا می‌کند و قدرت رقابتی خود را از دست می‌دهند.

• کاهش رشد اقتصادی

در کشوری مانند ایران که متوسط رشد بهره‌وری آن از طرف‌های تجاری‌اش کمتر است و نرخ تورم آن از متوسط نرخ تورم طرف‌های تجاری‌اش بیشتر است، عوامل بنیانی، افزایش نرخ ارز در آن کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند و بهتر است اجازه داده شود تا نرخ ارز به تدریج افزایش یابد یا ارزش پول داخلی تضعیف شود.

• افزایش تقاضای سفته‌بازان

ورود تقاضای جدید (سفته‌بازانه) به بازار ارز توسط کسانی که نیاز واقعی به ارز ندارند و صرفاً برای کسب سود از شکاف نرخ اسمی دلار با نرخ واقعی به بازار هجوم آورده‌اند، یکی از عللی است که سبب نوسانات اخیر شده است. این هجوم با ذخیره‌سازی انرژی تورم در نرخ دلار بالاخره و آزاد کردن این انرژی اقتصاد را ملتهب می‌کند.

• نرخ سود بانکی

اگر قیمت ارز بالا می‌رود، در وهله اول به دلیل پولی است که خلق شده و مابه‌ازای واقعی در بخش واقعی اقتصاد ندارد؛ بنابراین برخی که با افزایش مجدد نرخ سود بانکی مخالف هستند معتقدند که با خلق حجم پول بیشتر از این مجرا، قیمت ارز را نمی‌شود کنترل کرد.

با بخشنامه و سیاست‌گذاری شهریور ماه ۱۳۹۶ بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ سودهای بانکی، با توجه به اینکه برای پول‌های آزاد شده برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری جدیدی صورت نگرفته بود، لذا این امر سبب سرازیر شدن پول‌های آزاد شده به سمت بازار ارز شد و با افزایش تقاضای ارز سبب بالا رفتن نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی شد. با کاهش نرخ‌های سود بانکی، گروهی از سپرده‌گذاران در جستجوی بازار پربازده‌ای جهت سرمایه‌گذاری بودند. با توجه به نبود بازار پربازده دیگر از جمله بورس و مسکن^۲، لذا تقاضای آنها به سمت بازار ارز جهت‌گیری کرد که البته این امر قابل پیش‌بینی بود.

^۲ اگرچه بازار مسکن نیز در ماه‌های اخیر رشد یافت، اما رشد معاملات بازار مسکن در مقابل رشد تقاضای ارز کمتر بود. شاید دلیل این امر این است که افزایش تقاضای مسکن نیازمند سرمایه بیشتری است.

تصور رایج آن است که نرخ سود بانکی چون تابعی از نرخ تورم است، باید از کاهش نرخ تورم تبعیت کند و فاصله معقولی با آن داشته باشد که در دو سال اخیر این اتفاق نیفتاد و باعث شکل‌گیری فاصله غیرمنطقی بین این دو نرخ شده است. این تصور اگر چه ظاهری صحیح دارد، اما گرفتار خطاست. اینکه نرخ سود بانکی تابعی از نرخ تورم معرفی می‌شود همان ظاهر صحیح داستان است؛ اما خطای این گزاره به این نکته مغفول مربوط می‌شود که نرخ تورم اثرگذار بر نرخ سود بانکی، «تورم آینده» یا «انتظارات تورمی» است نه تورم موجود. بنابراین واضح است که برای کاهش نرخ سود بانکی راهی جز مهيار انتظارات تورمی وجود ندارد؛ چراکه راه جایگزین همان راه حل همیشگی سرکوب مالی است که نه راه بلکه بیراهه است. می‌توان ثابت کرد که بخشی از تورم به دلیل سیاست غلط تثبیت نرخ اسمی ارز به آینده پرتاب شده است. فعالان اقتصادی به تجربه دریافته‌اند که ممانعت از انعکاس نرخ تورم در نرخ ارز به معنی جهش دلار و سایر پول‌های خارجی در آینده‌ای نه چندان دور است. انتظار برای جهش نرخ ارز معادل انتظار برای جهش تورم است که حداقل دو تجربه تلخ از این پدیده در دهه هفتاد و ابتدای دهه نود ثبت شده است. بنابراین به جای افتادن در بیراهه همیشگی سرکوب مالی برای کاهش نمایشی نرخ سود بانکی، باید انتظارات تورمی را از بین برد و ابزار اصلی آن تک‌نرخ‌ی کردن ارز با استفاده از تجربه موفق دهه هشتاد در انتهای نرخ بازار و واقعی‌سازی تدریجی نرخ‌ها در این بازار است. این راهکار چنانچه با ساماندهی بازار بدهی همراه شود اگرچه ممکن است تورم کنونی را اندکی بالاتر ببرد، اما این افزایش از محل کاهش تورم انتظاری خواهد بود که به کاهش نرخ واقعی سود بانکی در حال و آینده خواهد انجامید. لذا اگر قبل از کاهش سود بانکی، انرژی نرخ ارز تخلیه شود با کاهش شدید انتظارات تورمی نرخ سود بانکی هم خودبخود کاهش می‌شد.

• کسری‌های فزاینده بودجه و بی‌انضباطی مالی

اینکه اغلب دولت‌ها در سراسر جهان از کسری بودجه به عنوان یک ابزار سیاست مالی بهره می‌برند، درست است؛ اما وجود بی‌انضباطی مالی و اینکه برنامه‌ریزی دقیقی برای شناسایی و پرداخت بدهی‌ها وجود نداشته باشد، ممکن است دولت را به دستکاری نرخ ارز مجبور کند تا از این طریق بتواند کسری بودجه خود را جبران نماید.^۳ البته این امر به شدت از سوی دولت یازدهم و دوازدهم تکذیب شده است.

^۳ برگرفته از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۴- مبانی نظری تأثیرات نرخ ارز

حدود هفتاد درصد از صادرات ایران، صادرات نفتی است که مستقل از تغییرات نرخ ارز است. اما مطابق با تئوری‌های اقتصادی نوسانات نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی و واردات تأثیرگذار است. از این رو نرخ ارز و سیاست‌گذاری‌های ارزی در ایران، همواره یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد کشور بوده و تقریباً در تمامی دوره‌ها در محافل گوناگون علمی و سیاست‌گذاری اقتصاد ایران، مباحث مختلف و چالش‌برانگیزی پیرامون نحوه تعیین نرخ ارز و آثار آن بر متغیرهای اقتصادی در جریان بوده است.

تعیین سطح نرخ اسمی ارز و نحوه تأثیرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون صادرات غیر نفتی، تولید و تورم در کشور ما همواره مورد اختلاف نظر سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران اقتصادی بوده و یکی از مهمترین چالش‌های موجود در عرصه سیاست‌گذاری اقتصاد کشور محسوب می‌شود. هرگونه تغییر در قیمت ارز از طریق تغییر در قیمت نسبی کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی سبب تغییر در قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولید داخلی شده و افزایش یا کاهش در میزان صادرات و واردات و درآمدهای ارزی کشور را موجب می‌گردد. به عبارت دیگر، نرخ ارز تعیین‌کننده حجم و ترکیب مراودات بین‌المللی یک کشور است. اثرگذاری بر سطح عمومی قیمت‌ها از طریق تغییر قیمت کالاهای موجود در سبد محاسبه **CPI** و قیمت تمام شده کالاهای تولیدی (مواد اولیه و نهاده‌های وارداتی) و همچنین درآمدهای دولت در اقتصادی تک محصولی و وابسته به نفت نظیر ایران از دیگر کارکردهای نرخ ارز محسوب می‌شود. (فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی شماره ۴)

با افزایش نرخ ارز کالاهای داخلی برای مصرف‌کنندگان خارجی ارزان‌تر و از این رو سبب افزایش قدرت رقابت و میزان صادرات می‌شود. در نتیجه افزایش نرخ ارز با افزایش صادرات همراه است. این مسئله موجب شد که برخی از کشورها برای افزایش صادرات به کاهش ارزش پول داخلی (یا همان افزایش نرخ ارز) اقدام کنند. با وجود اینکه کاهش ارزش پول، سطح رفاه افراد جامعه را کاهش می‌دهد، ولی این کشورها کاهش سطح رفاه را با هدف افزایش صادرات، تولید، اشتغال و افزایش رفاه در آینده می‌پذیرند. کشور چین مثال بارز و موفق در استفاده از این سیاست محسوب می‌شود. این کشور با وجود ذخایر بالای دلار و مازاد تجاری بالا نسبت به ایالت متحده پول خود (یوان) را به دلار می‌خکوب کرده و نمی‌گذارد افزایش یابد تا بتواند مزیت صادراتی خود را حفظ کند و صادرات را باز هم بیشتر توسعه دهد.

با توجه به مبانی نظری موجود در اقتصاد کلان نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی و تورم تاثیر مستقیم و مثبت و بر تولید کل تاثیر منفی دارد. یعنی صادرات غیر نفتی و تورم به طور مستقیم با افزایش نرخ ارز افزایش می‌یابد و افزایش نرخ ارز تولید کل را مقید می‌کند (کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که تقریباً ۷۰ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند وابسته بودن اقتصاد تولید به واردات را بیان می‌کند).

نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی اثرات متفاوتی دارد و با توجه به اینکه هم اثرات مثبت و هم اثرات منفی دارد، لذا توجه دقیق به آن می‌تواند سیاست‌گذاران را به سمت تصمیمات صحیح‌تری هدایت کند.

• اثر نوسانات نرخ ارز بر تولید

تغییر نرخ ارز از مسیرهای متفاوت، اثرات متضادی بر تولید باقی می‌گذارد که برآیند این اثرات، بیانگر اثر خالص تغییر نرخ ارز بر تولید و اشتغال است. اثر تغییر نرخ واقعی ارز بر تولید از دو مسیر آشکار می‌شود: یکی از مسیر میزان استفاده از ظرفیت تولیدی موجود و دیگری از مسیر میزان سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی جدید.

کاهش نرخ واقعی ارز، از طریق افزایش قیمت کالاهای صادراتی و کاهش قیمت کالاهای وارداتی، تقاضای کل اقتصاد را به سمت تقاضا برای کالاها و خدمات خارجی انتقال می‌دهد. در واقع کاهش نرخ ارز، تقاضای کالاهای تولید داخل را، چه در بازار داخلی و چه در بازار خارجی، کاهش می‌دهد. کاهش تقاضا برای تولیدات داخلی، منجر به عدم استفاده کامل از ظرفیت تولیدی موجود خواهد شد. بنابراین تولید داخلی از مسیر کاهش نرخ واقعی ارز و عاطل ماندن بخشی از ظرفیت تولید، تحت تأثیر منفی قرار گرفته و تضعیف می‌شود. روشن است که به تبع کاهش تولید، اشتغال نیز کاهش خواهد یافت. در مقابل، افزایش نرخ ارز، موجب افزایش تقاضای تولیدات داخلی، هم در بازار داخلی و هم در بازار خارجی، و به تبع آن افزایش بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولید موجود می‌شود و در نتیجه، بر میزان تولید و اشتغال اثر مثبت خواهد داشت.

علاوه بر استفاده از ظرفیت تولیدی موجود، ایجاد ظرفیت‌های جدید از طریق سرمایه‌گذاری نیز یک مسیر مهم در اثرگذاری تغییرات نرخ ارز بر تولید است؛ بنابراین سوال مهم در این زمینه این است که تغییر نرخ ارز چه تأثیری بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت؟ تغییرات نرخ ارز دو اثر متضاد بر بازدهی سرمایه‌گذاری (به طور عمومی سود تولیدکنندگان داخلی) از مسیر تغییر قیمت‌های بازار داخلی، قیمت‌های بازارهای صادراتی و قیمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی بر جای می‌گذارد.

کاهش نرخ ارز از طریق کاهش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش قیمت کالاهای صادراتی، قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی را در بازارهای داخلی و خارجی، کاهش داده و در نتیجه اثر منفی بر میزان درآمد و بازدهی سرمایه‌گذاری در داخل بر جای می‌گذارد. در مقابل، کاهش نرخ ارز، قیمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی را به طور مستقیم کاهش داده، در نتیجه با کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، موجبات افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و به دنبال آن افزایش سرمایه‌گذاری را فراهم خواهد کرد. بنابراین در مجموع، برآیند این دو اثر متضاد، اثر خالص تغییر نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری را روشن خواهد نمود. با وجود اینکه میزان تأثیرپذیری صنایع مختلف از تغییر نرخ ارز متفاوت است، اما به نظر می‌رسد که در مجموع در کوتاه‌مدت، اثر مثبت کاهش نرخ ارز بر اثر منفی آن بر سرمایه‌گذاری غالب باشد، اما در بلندمدت احتمالاً اثر منفی کاهش نرخ ارز غالب خواهد شد.

بنابراین در مجموع، کاهش نرخ واقعی ارز در کوتاه‌مدت، از مسیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود بر تولید اثر منفی داشته، اما از مسیر افزایش ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید، اثر مثبتی به جا می‌گذارد. اما در بلندمدت، کاهش نرخ واقعی ارز هم از مسیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود و هم از مسیر کاهش ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید، موجب تضعیف تولید و اشتغال داخلی می‌شود. کاهش قابل توجه نرخ واقعی ارز، رویدادی است که در دهه هشتاد به صورت آشکاری اتفاق افتاده است و در نتیجه آن، تولیدکنندگان داخلی قدرت رقابتی خود نسبت به رقبای خارجی را در بازارهای داخلی و خارجی از دست داده و بر اثر آن تولید ملی تضعیف شده است. از آنجا که تغییرات اشتغال، تابعی مستقیم از تغییرات تولید است، اثر تغییر نرخ ارز بر تولید، به طور مستقیم، بر اشتغال نیز بروز می‌یابد.

• اثر نوسانات نرخ ارز بر تراز تجاری

تأثیرات کاهش ارزش پول بر تراز تجاری را می‌توان در دو حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت مطالعه کرد. حالت کوتاه‌مدت دربرگیرنده پدیده منحنی جی است و در بلندمدت شرط مارشال لرنر مطرح می‌گردد.

رابطه میان نرخ ارز و تراز تجاری از لحاظ تئوری به گونه‌ای است که در بلندمدت کاهش ارزش پول می‌تواند تأثیر مثبتی بر تراز تجاری داشته باشد و این سیاست یکی از راههای جبران کسری تراز تجاری است، اما از لحاظ تجربی در بسیاری موارد رابطه بین این دو خلاف نظریات اقتصادی و حتی مبهم است. هنگامی که ارزش پول یک کشور کاهش می‌یابد، دو اثر را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.

- ❖ اثر قیمت: صادرات بر حسب پول خارجی ارزانتر می‌شود و واردات بر حسب پول ملی گرانتر می‌شود، لذا اثر قیمت موجب بدتر شدن حساب جاری کشور مورد نظر می‌شود.
- ❖ اثر مقدار: این حقیقت که صادرات ارزانتر می‌شود موجب تشویق صادرات و افزایش حجم صادرات می‌شود و این حقیقت که واردات گرانتر می‌شود موجب کاهش حجم واردات می‌شود و اثر مقدار موجب بهبود حساب جاری می‌گردد.

اثر خالص به اینکه اثر مقدار مسلط است یا اثر قیمت وابسته است. بنابراین، تغییرات نرخ ارز از چهار طریق موازنه تجاری اسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور مستقیم از طریق قیمت‌های صادرات و واردات به طور غیرمستقیم؛ از طریق عکس‌العمل حجم صادرات و واردات نسبت به تغییر قیمت‌های نسبی. غلبه اثر قیمت بر مقدار در کوتاه مدت منجر به پدیده‌ای شد که مگی در سال ۱۹۷۳ آن را منحنی جی نامید. به عبارتی در کوتاه مدت حجم صادرات و حجم واردات زیاد تغییر نمی‌کند، به طوری که اثر قیمت بر اثر مقدار مسلط است و این امر موجب بدتر شدن حساب جاری در کوتاه مدت می‌گردد. به هر حال، پس از یک وقفه زمانی حجم صادرات شروع به بالا رفتن می‌کند و حجم واردات کاهش می‌یابد. در نتیجه، کسری جاری بهبود یافته و سرانجام به سمت مازاد حرکت می‌کند. در نهایت تعدیلات دینامیکی در حساب تجاری متأثر از تنزل ارزش پول ممکن است به صورت شکل جی ترسیم شود.^۴

در بلندمدت مطابق با شرط لرنر نوسانات نرخ ارز با توجه به کشش‌های صادرات و واردات می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد. شرط مارشال-لرنر بیان می‌کند که اگر مجموع کشش‌های صادرات و واردات برای کشوری بزرگتر از واحد باشد، افزایش نرخ ارز سبب بهبود تراز تجاری خواهد شد. پس اگر شرط مارشال - لرنر وجود داشته باشد، کاهش ارزش پول ملی موجب بهبود تراز پرداخت‌ها و رونق اقتصادی می‌شود، در حالی که در عدم وجود این شرط، کاهش ارزش پول ملی اثرات نامطلوبی بر اقتصاد خواهد گذاشت و صرفاً به افزایش سطح قیمت‌ها دامن خواهد زد. در واقع با افزایش قیمت واردات در بلندمدت حجم واردات کاهش می‌یابد، زیرا کشش قیمتی تقاضای واردات خارجی در بلندمدت بزرگتر از یک است.

طبق تئوری‌های اقتصادی، صادرات غیر نفتی علاوه بر نرخ ارز، تابعی مستقیم از سطح تولید کل و تابع معکوسی از سطح عمومی قیمت‌ها است (البته متغیرهای دیگری نیز بر صادرات غیر نفتی موثرند)، لذا تغییرات نرخ ارز اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر صادرات غیر نفتی خواهد داشت. مطالعات اخیر اقتصادسنجی در راستای تئوری‌های

^۴ پدram و همکاران، ۱۳۹۰، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

اقتصادی نشان داده است که افزایش نرخ ارز به طور مستقیم کمتر موجب افزایش صادرات غیر نفتی می‌شود. اما با توجه به ویژگی‌های اقتصاد کشور ما تأثیرات غیر مستقیم این افزایش بر صادرات غیر نفتی در جهت کاهش صادرات غیر نفتی بوده است که این نتایج با تئوری‌های اقتصادی سازگار است. مثلاً افزایش نرخ ارز منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و قدرت رقابت کالاهای تولید داخل را در بازارهای بین‌المللی کاهش می‌دهد و این در حالی است که تورم در کشورهای طرف تجاری ایران که عمده مبادلات تجاری را با این کشورها داریم تقریباً مقداری ناچیز و ثابت است؛ کشورهای امارات متحده عربی، عراق، هندوستان، چین، ژاپن، آذربایجان، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و انگلستان و اکثر کشورهای عضو OECD در چند سال اخیر با سهم بالایی طرف‌های تجاری ایران محسوب می‌شوند،

نرخ تورم پایینی را تجربه کرده‌اند. لذا افزایش نرخ ارز منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و از طریق این متغیر صادرات غیرنفتی را کاهش می‌دهد و این از اثرات غیرمستقیم افزایش نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی است که متأسفانه در برخی از تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود. از طرف دیگر از آنجا که طی سال‌های اخیر سهم بالایی از واردات کشور را واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، لذا افزایش نرخ ارز موجب گران شدن این کالاها برای اقتصاد داخلی شده و این امر در نهایت منجر به کاهش توان تولید یا افزایش هزینه‌های تولید داخل (افزایش بهای تمام شده کالاها) می‌گردد و می‌تواند سطح عمومی قیمت‌های داخلی را افزایش دهد و صادرات این کالاها را با مشکل روبرو کند.

لذا بهتر است قبل از تصمیم‌گیری در مورد نرخ ارز و تغییرات آن، ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی، کشش آنها، شاخص قیمت کالاهای داخلی و کشورهای خارجی طرف مقابل، اثرات این تغییرات بر سایر متغیرهای کلان و اثرات متقابل آنها بر همدیگر مورد بررسی قرار گیرد.

❖ اثر نوسانات نرخ ارز بر تورم

یک تحلیل رایج از تأثیر تغییرات نرخ ارز بر نرخ تورم این است که افزایش نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل افزایش تورم شناخته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، افزایش نرخ ارز موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی می‌شود که یا کالاهای مصرفی هستند که افزایش قیمت آنها به طور مستقیم تورم را افزایش می‌دهد، یا کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند که افزایش قیمت آنها از طریق افزایش هزینه‌های تولید بر تورم اثر می‌گذارند. اما آیا چنین تحلیلی از اثر تغییر نرخ ارز بر تورم با واقعیت‌های اقتصادی مطابقت دارد؟ برای بررسی این موضوع، از یک طرف باید به علت افزایش نرخ ارز و از طرف دیگر به تفکیک اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تغییر نرخ ارز بر تورم توجه

داشته باشیم. زمانی که به دلیل افزایش حجم پول، سطح عمومی قیمت‌ها در حال افزایش است، نرخ ارز نیز به طور طبیعی به صورت کمابیش متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها افزایش خواهد یافت (البته به شرط ثبات سایر شرایط به خصوص میزان درآمدهای نفتی). در این شرایط، افزایش نرخ ارز اسمی خود، معلول تورم است و این افزایش نرخ صرفاً اسمی است و نرخ واقعی ارز ثابت باقی خواهد ماند. اما اگر به دلیل بروز رخدادهای واقعی در بازار ارز مانند کاهش درآمدهای نفتی، نرخ ارز فراتر از نرخ تورم افزایش یابد (افزایش نرخ واقعی ارز)، آنگاه این افزایش می‌تواند از مسیر افزایش قیمت کالاهای وارداتی بر نرخ تورم اثرگذار باشد.

البته باید توجه داشت که این اثر بر تورم موقتی است، زیرا نرخ واقعی ارز نمی‌تواند به صورت مداوم و پی‌درپی افزایش یابد و در نتیجه افزایش نرخ واقعی ارز تقریباً اثری بر نرخ تورم در بلندمدت نخواهد داشت. در عین حال باید توجه داشت که اگر در شرایط تورمی، دولت نرخ اسمی ارز را به صورت دستوری تثبیت نماید، در این صورت نرخ واقعی ارز کاهش یافته و این کاهش نرخ واقعی ارز در کوتاه‌مدت و تا زمانی که تداوم یابد، اثر اندکی بر کاهش تورم خواهد داشت. اما روشن است که این تثبیت نرخ ارز، به دلیل افزایش روزافزون تقاضا برای ارز و کمبود منابع ارزی، بادوام نیست و دولت در نهایت مجبور خواهد شد که به افزایش یکباره نرخ ارز اقدام نماید. در نتیجه این تعدیل ناگهانی تورم در کوتاه‌مدت افزایش قابل توجهی خواهد داشت، به نحوی که اثر کاهش تورم در دوره قبل از آن را خنثی خواهد کرد.

بنابراین روشن است که افزایش نرخ اسمی ارز همراه با سطح عمومی قیمت‌ها به نحوی که نرخ واقعی ارز ثابت بماند، عامل ایجاد تورم در اقتصاد کشور نیست. بنابراین سیاستگذاران اقتصادی باید توجه داشته باشند که کاهش نرخ واقعی ارز، یک ابزار مناسب برای کنترل و مهار نرخ تورم به صورت پایدار نیست. واقعیت‌های تجربی اقتصاد ایران در دهه هشتاد که طی آن نرخ واقعی ارز کاهش یافت، اما نرخ تورم در سطح بالایی باقی ماند، این امر را تایید می‌کند که کاهش نرخ واقعی ارز نمی‌تواند در بلندمدت اثر قابل توجهی بر نرخ تورم داشته باشد.

۵- تجزیه و تحلیل و بحث

در ادامه به بررسی وضعیت صادرات و واردات و تراز تجاری غیرنفتی در ایران پرداخته می‌شود. نهایتاً به تحلیل روابط بین صادرات غیرنفتی به تفکیک محصولات عمده و واردات با نرخ ارز پرداخته می‌شود. آمار و اطلاعات مورد استفاده در این بخش از بانک داده وزارت امور اقتصادی و دارایی^۵، سایت بانک مرکزی^۶ و سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران^۷ گرفته شده است.

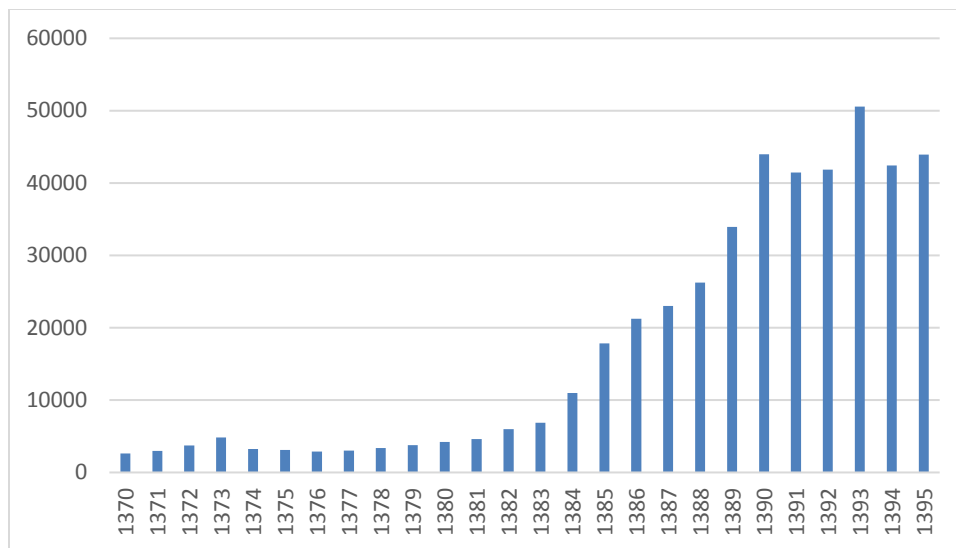
۱-۵- وضعیت کلی صادرات و واردات و تراز تجاری

در نمودارهای ۲ و ۳ ارزش دلاری صادرات غیرنفتی و واردات طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود صادرات غیرنفتی تا سال ۱۳۹۰ در حال افزایش است. پس از ۱۳۹۰ به دلیل وجود تحریم‌های اقتصادی، صادرات در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ کاهش یافت. اما پس از روی کار آمدن دولت یازدهم و ایجاد جو روانی مثبت، افکار عمومی نسبت به ایران تغییر کرد و نهایتاً سبب فشار کمتر تحریم‌های اقتصادی بر کشور شد و در سال ۱۳۹۳ صادرات غیرنفتی افزایشی هفت درصدی را تجربه کرد. اما پس از روی کار آمدن ترامپ و تغییر مجدد جو روانی نسبت به ایران شاهد کاهش تبادلات بین‌المللی و صادرات غیرنفتی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ بوده‌ایم. در نمودار ۳ نیز مشاهده می‌شود ارزش واردات طی یک دهه گذشته افزایشی بوده است، اما بعد از وجود تحریم‌های اقتصادی شاهد کاهش واردات بوده‌ایم. جدول ۲ رشد صادرات و واردات را در سال‌های ۹۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۴ واردات بیشترین میزان کاهش خود را طی یک دهه گذشته در کشور تجربه کرده است. در سال ۱۳۹۴ در نتیجه رکود بخش صنعت، مدیریت واردات اقلام مصرفی و همچنین حرکت به سمت استفاده از توانمندی‌های داخلی در برخی حوزه‌ها، واردات ۲۲ درصد کاهش یافت.

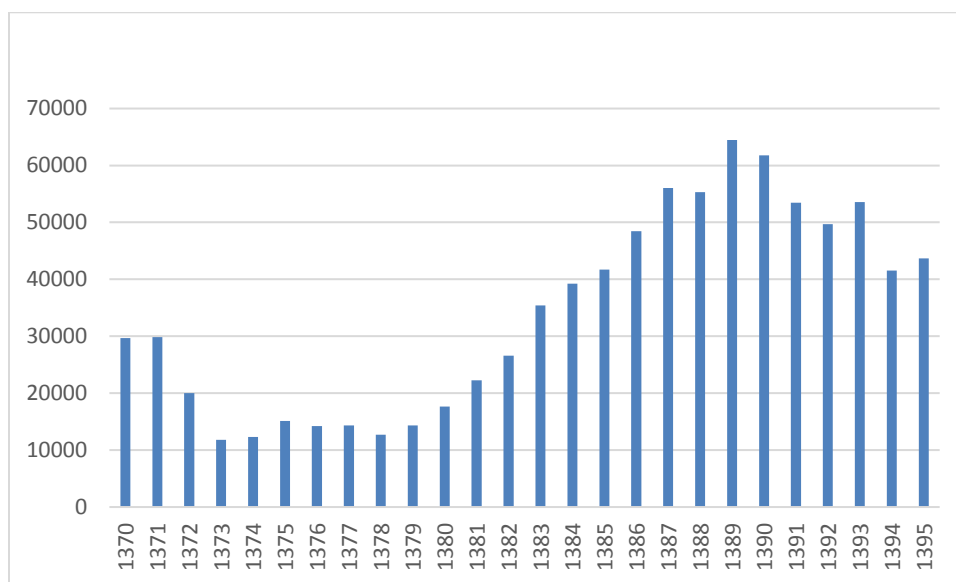
⁵ <https://databank.mefa.ir/>

⁶ <https://www.cbi.ir/>

⁷ <http://www.irica.gov.ir/>



نمودار ۲: ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سال‌های ۹۵-۱۳۷۰ (میلیون دلار)



نمودار ۳: ارزش واردات ایران در سال‌های ۹۵-۱۳۷۰ (میلیون دلار)

جدول ۲: رشد ارزش صادرات غیر نفتی و واردات و تراز تجاری غیر نفتی ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۰

| سال | رشد ارزش صادرات | رشد ارزش واردات | تراز تجاری (خالص صادرات) غیر نفتی |
|------|-----------------|-----------------|-----------------------------------|
| 1370 | 100.04 | 58.51 | -27052.07 |
| 1371 | 13.82 | 0.65 | -26882.32 |
| 1372 | 25.41 | -32.92 | -16290.2 |
| 1373 | 28.76 | - | -6970.45 |
| 1374 | -32.62 | 4.39 | -9062.33 |
| 1375 | -4.46 | 22.77 | -12011.29 |
| 1376 | -7.41 | -6.09 | -11320.41 |
| 1377 | 4.79 | 0.89 | -11309.69 |
| 1378 | 11.57 | -11.45 | -9321 |
| 1379 | 11.92 | 13.12 | -10584.3 |
| 1380 | 12.26 | 22.85 | -13401.95 |
| 1381 | 9.09 | 26.38 | -17667 |
| 1382 | 29.61 | 19.41 | -20625.6 |
| 1383 | 14.65 | 33.05 | -28542 |
| 1384 | 60.17 | 10.90 | -28281 |
| 1385 | 62.83 | 6.31 | -23865 |
| 1386 | 18.86 | 16.10 | -27213 |
| 1387 | 8.49 | 15.70 | -33013 |
| 1388 | 13.91 | -1.35 | -29054 |
| 1389 | 29.33 | 16.57 | -30522 |
| 1390 | 29.61 | -4.13 | -17812 |
| 1391 | -5.75 | -13.49 | -12003 |
| 1392 | 0.97 | -7.00 | -7861 |
| 1393 | 20.82 | 7.77 | -3009 |
| 1394 | 16.08 | - | 890 |
| 1395 | 3.54 | 5.16 | 246 |

در سال ۱۳۹۵ میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی)، بالغ بر ۱۲۹،۶۴۸ هزار تن و به ارزش ۴۳،۹۳۰ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با سال گذشته، افزایشی ۳۸،۰۶ درصدی در وزن و ۳،۵۴ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین میزان واردات کشور در این مدت، با کاهشی ۴،۹۹ درصدی در وزن و افزایشی ۵،۱۶ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با سال ۱۳۹۴، به ارقام ۳۳،۳۹۹ هزار تن و ۴۳،۶۸۴ میلیون دلار رسیده است.

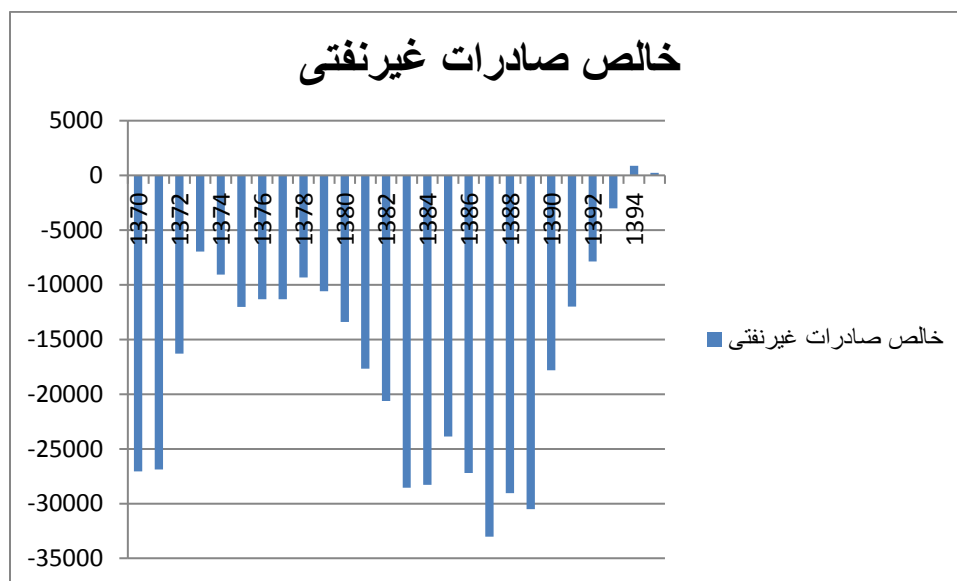
شایان ذکر است با اینکه میزان فروش گاز ایران ۶۷ درصد افزایش یافته است، اما ارزش دلاری آن ۳ درصد کاهش یافته است. همچنین ارزش دلاری کالاهای صادراتی غیرنفتی و گازی و پتروشیمی (صادرات کالاهای غیرنفتی واقعی) ۱۰ درصد کاهش یافته است که با توجه به افزایش ۲۶ درصدی وزن صادرات آن نشان می‌دهد کشور به سمت خام فروشی پیش رفته است.

هدف مطالعه حاضر بررسی تغییرات خالص صادرات غیرنفتی در اثر تغییرات نرخ ارز است، لذا در ادامه ابتدا به روند خالص صادرات غیرنفتی (تراز تجاری غیر نفتی) پرداخته می‌شود و سپس تأثیرات نرخ ارز بر خالص صادرات تغییر نرخ ارز بحث و بررسی می‌شود.

در جدول ۲ خالص تراز تجاری غیر نفتی (خالص صادرات غیر نفتی) برای ایران در سال‌های ۹۵-۱۳۷۰ نشان و در نمودار ۴ رسم شده است. همانطور که مشاهده می‌شود در تمام سال‌های مورد بررسی (غیر از دو سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵) تراز تجاری منفی و پرنوسان بوده است که نشان از وخامت اوضاع ایران دارد. از این رو می‌توان گفت طی این سال‌ها، علی‌رغم نگاه برون‌گرای اقتصادی برنامه‌های توسعه خصوصاً طی دهه‌های اخیر، هنوز هم توان رقابتی کشور برای حضوری مؤثر در عرصه رقابت جهانی و رهایی از اقتصاد تک محصولی نفت، بسیار محدود است. برخی از تحلیلگران در وهله اول علت منفی بودن تراز تجاری غیرنفتی را ناشی از عدم اصلاح نرخ ارز به لحاظ تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای بنیادی اثرگذار در تجارت خارجی کشور ارزیابی می‌کنند. به عبارت دیگر در روند تجاری ایران، عدم اصلاح نرخ ارز همواره به‌عنوان عامل اختلالی اثرگذار بوده و بسته به زمان نیز می‌تواند اثرگذار باشد.

اگرچه مثبت شدن تراز تجاری به خودی خود مطلوب است، اما تنها مثبت شدن این تراز کفایت نمی‌کند و دلیل مثبت شدن باید بررسی شود. به عنوان مثال سهم کالاهای مصرفی در واردات در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ حدود 16 درصد بوده است و بالغ بر ۸۳ درصد ارزش واردات فعلی کشور ما را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد. لذا کاهش واردات این اقلام می‌تواند نشانگر آن باشد که تعدادی از واحدهای تولیدی - صنعتی، به دلایل

گوناگون (از جمله رکود داخلی، کاهش سطح تقاضا، از دست رفتن بازارهای صادراتی، مشکلات نقدینگی، تداوم تحریم‌ها، عدم ثبات نرخ ارز و نوسانات مستمر آن، دشواری گشایش اعتبار اسنادی و ...) نتوانسته‌اند نیازهای وارداتی خود را در سطح مورد انتظار تامین کنند.



نمودار ۴: تراز تجاری غیرنفتی ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۰

در ادامه به بررسی اثر افزایش نرخ ارز بر صادرات پرداخته می‌شود. در ابتدا به صورت کلی ارتباط بین نرخ ارز و صادرات غیرنفتی و واردات بررسی می‌شود و سپس مروری بر تأثیر نرخ ارز بر وضعیت محصولات صادراتی و وارداتی خواهیم داشت. تأثیرات نرخ ارز از دو جنبه بر صنایع صادراتی کشور تأثیر می‌گذارد. اولاً از یکطرف افزایش نرخ ارز سبب افزایش درآمد آنها می‌شود. دوماً از طرف دیگر افزایش نرخ ارز سبب گران شدن محصولات واسطه‌ای وارداتی و افزایش تورم می‌شود، لذا بهای تمام شده صنایع صادراتی نیز افزایش می‌یابد. برآیند تغییرات درآمد فروش و بهای تمام شده تعیین کننده اثرات افزایش نرخ ارز بر این صنعت است. نکته قابل توجه اثر نرخ ارز بر بدهی‌های ارزی شرکت‌ها است که با افزایش نرخ ارز، ارزش ریالی بدهی‌های ارزی نیز افزایش می‌یابد. همچنین افزایش نرخ ارز، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را افزایش داده و در نتیجه منجر به کاهش واردات کشور خواهد شد. بنابراین در مجموع، افزایش نرخ ارز از طریق تغییر صادرات و واردات بر تراز تجاری کشور تأثیر می‌گذارد.

در جدول ۳ نرخ اسمی دلار و ارزش و مقدار صادرات غیرنفتی و واردات برای سال‌های ۹۵-۱۳۸۳ به صورت سالانه آورده شده است. با توجه به داده‌های این جدول و همانطور که نمودار ۵ نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین نرخ دلار و ارزش صادرات غیرنفتی وجود دارد.

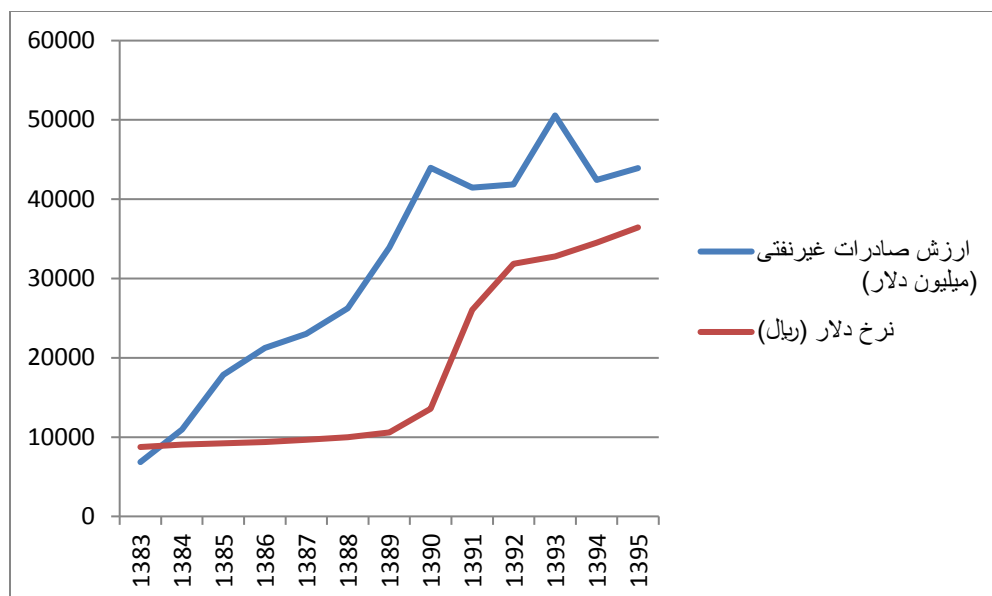
همانطور که مشاهده می‌شود و مطابق با انتظار با افزایش نرخ ارز، صادرات غیرنفتی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ روندی افزایشی داشته است، اما در سال ۱۳۹۱ ارزش صادرات غیرنفتی برابر با ۴۱۴۴۸ میلیون دلار بوده است که به دلیل وجود تحریم‌های موجود نسبت به سال قبل آن حدود ۵/۷۵ درصد کاهش یافته است. مشکلات مربوط به تبادلات در سال ۱۳۹۲ همچنان وجود داشت و ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۲ برابر با ۴۱۸۴۸ میلیون دلار شد و در واقع رشد بسیار ناچیزی را نسبت به سال ۱۳۹۱ (۰/۹۷ درصد) تجربه کرده است. شایان ذکر است در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نیز ارزش صادرات پایین بوده است. اما در سال ۱۳۹۳ صادرات غیرنفتی افزایشی حدود ۲۲ درصد را نسبت به سال قبل خود تجربه کرده است.

شروع کار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ و شروع مذاکرات رسمی برای برجام در سال ۲۰۱۳ سبب ایجاد انتظارات مثبتی شد که این امر در تبادلات جهانی ایران تأثیر قابل قبولی داشت. رشد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۳ را نیز می‌توان به علت انتظارات مثبت دانست. بنابراین به طور کلی صادرات غیر نفتی طی سال‌های مورد بررسی تقریباً روند صعودی و فزاینده‌ای داشته است جز دو مورد شکستگی که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ رخ داده است که تحریم‌های اقتصادی نیز در کاهش این ارزش بی‌تأثیر نبوده‌اند.

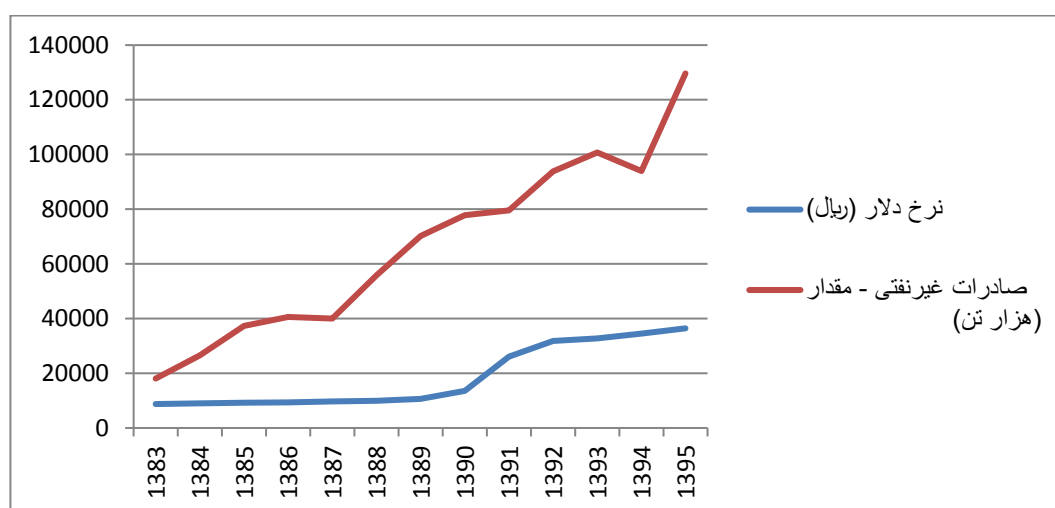
با توجه به اینکه افزایش ارزش صادرات می‌تواند تحت تأثیر افزایش قیمت و مقدار کالاهای صادراتی باشد، لذا برای بررسی دقیقتر این مطلب در نمودار ۶ مقدار صادرات غیرنفتی در مقایسه با ارزش اسمی نرخ ارز رسم شده است، همانطور که ملاحظه می‌شود روند مقدار صادرات غیرنفتی نیز صعودی است و همبستگی مثبتی بین مقدار صادرات غیرنفتی و نرخ دلار وجود دارد.

جدول ۳: ارزش و مقدار صادرات غیرنفتی و واردات و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳

| سال | مقدار صادرات (هزار تن) | ارزش صادرات غیرنفتی (میلیون دلار) | ارزش واردات (میلیون دلار) | مقدار واردات (هزار تن) | نرخ دلار (ریال) | درصد تغییرات مقدار صادرات | درصد تغییرات ارزش صادرات | درصد تغییرات نرخ دلار | درصد تغییرات ارزش واردات | درصد تغییرات مقدار واردات |
|------|------------------------|-----------------------------------|---------------------------|------------------------|-----------------|---------------------------|--------------------------|-----------------------|--------------------------|---------------------------|
| 1383 | 18077 | 6847 | 35389 | 35072 | 8747 | - | - | - | - | - |
| 1384 | 26583 | 10967 | 39247 | 35466 | 9042 | 47.05 | 60.17 | 3.37 | 10.90 | 1.12 |
| 1385 | 37350 | 17858 | 41723 | 43490 | 9226 | 40.50 | 62.83 | 2.03 | 6.31 | 22.63 |
| 1386 | 40644 | 21226 | 48439 | 41696 | 9357 | 8.82 | 18.86 | 1.42 | 16.10 | 4.12- |
| 1387 | 40013 | 23029 | 56042 | 44148 | 9667 | -۱,۵۵ | 8.49 | 3.31 | 15.70 | 5.88 |
| 1388 | 55819 | 26233 | 55287 | 51921 | 9979 | 39.50 | 13.91 | 3.23 | 1.35- | 17.61 |
| 1389 | 70175 | 33928 | 64450 | 45346 | 10601 | 25.72 | 29.33 | 6.23 | 16.57 | 12.66- |
| 1390 | 77807 | 43975 | 61787 | 38379 | 13568 | 10.88 | 29.61 | 27.99 | 4.13- | 15.36- |
| 1391 | 79566 | 41448 | 53451 | 39481 | 26059 | 2.26 | -۵,۷۵ | 92.06 | 13.49- | 2.87 |
| 1392 | 93886 | 41848 | 49709 | 33684 | 31839 | 18.00 | 0.97 | 22.18 | 7.00- | 14.68- |
| 1393 | 100758 | 50560 | 53569 | 43016 | 32801 | 7.32 | 20.82 | 3.02 | 7.77 | 27.70 |
| 1394 | 93907 | 42429 | 41539 | 35152 | 34501 | -۶,۸۰ | -۱۶,۰۸ | 5.18 | 22.46- | 18.28- |
| 1395 | 129648 | 43930 | 43684 | 33399 | 36440 | 38.06 | 3.54 | 5.62 | 5.16 | 4.99- |

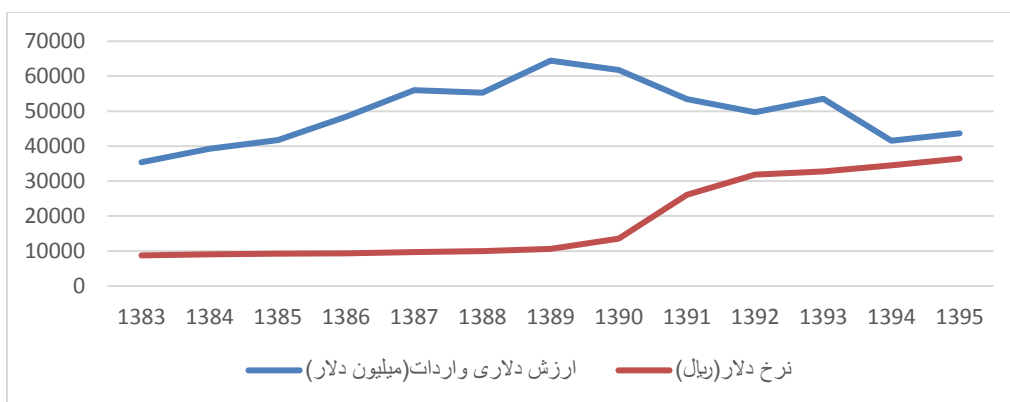


نمودار ۵: ارزش صادرات غیرنفتی و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۱۳۸۳-۹۵

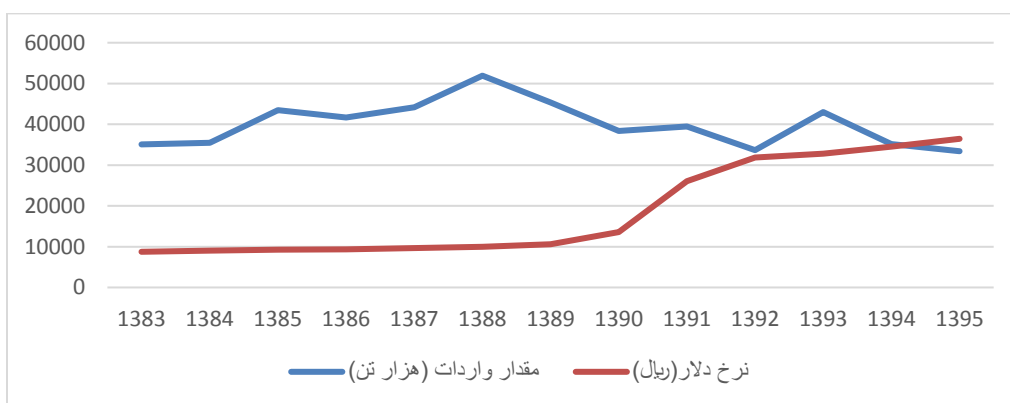


نمودار ۶: مقدار صادرات غیرنفتی و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۱۳۸۳-۹۵

نمودار ۷ و ۸ نیز روند ارزش واردات و مقدار واردات را در مقابل نرخ ارز نشان می‌دهد. اگرچه روند کلی واردات تا حدودی صعودی است، اما این امر به علت افزایش تبادلات خارجی و تجاری کشور مربوط می‌شود. همانطور که مشاهده می‌شود از سال ۱۳۹۰ به بعد که شاهد افزایش بسیار نرخ ارز در کشور بودیم، واردات روند نزولی پیدا کرده است. بنابراین می‌توان گفت این نظریه که ارتباط منفی و معکوسی بین نرخ ارز و واردات وجود دارد، تایید می‌شود. جداول ۴ و ۵ صادرات و واردات کشور را به تفکیک محصولات دارای اهمیت آورده است.



نمودار ۷: ارزش واردات و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۱۳۸۳-۹۵



نمودار ۸: مقدار واردات و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۱۳۸۳-۹۵

جدول ۴: مقدار صادرات غیرنفتی به تفکیک طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳

| سال | مقدار میعانات گازی (هزار تن) | مقدار پتروشیمی (هزار تن) | مقدار گاز طبیعی (هزار تن) | مقدار سایر کالاها (هزار تن) |
|------|---------------------------------|-----------------------------|------------------------------|-----------------------------------|
| 1383 | 0 | 4188 | | 13889 |
| 1384 | 1601 | 5877 | | 19105 |
| 1385 | 9584 | 6347 | | 21419 |
| 1386 | 8526 | 9346 | | 22772 |
| 1387 | 7099 | 13146 | | 19768 |
| 1388 | 8317 | 16524 | | 30978 |
| 1389 | 9977 | 17580 | | 42618 |
| 1390 | 11378 | 21266 | | 45163 |
| 1391 | 9630 | 15107 | | 54829 |
| 1392 | 12783 | 14647 | | 66456 |
| 1393 | 19124 | 19142 | | 62492 |
| 1394 | 10495 | 22988 | 5817 | 54608 |
| 1395 | 18663 | 32434 | 9726 | 68825 |

جدول ۵: واردات بر حسب نوع مصرف طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳

| کالاهای طبقه بندی نشده (میلیون دلار) | کالاهای مصرفی (میلیون دلار) | کالاهای سرمایه ای (میلیون دلار) | مواد اولیه و کالاهای واسطه ای (میلیون دلار) | سال |
|---|--------------------------------|------------------------------------|--|-------------|
| 316.11 | 3504.41 | 8047.47 | 23520.6 | 1383 |
| 237.84 | 4575.11 | 9165.12 | 25268.9 | 1384 |
| 272.65 | 6122.73 | 8172.25 | 27155 | 1385 |
| 52.92 | 6644.73 | 8797.78 | 32943.4 | 1386 |
| 204.23 | 7636.7 | 10505.3 | 37695.8 | 1387 |
| 1193.27 | 8345.44 | 9811.83 | 35936.4 | 1388 |
| 6220.3 | 8200.4 | 10436.5 | 39592.6 | 1389 |
| 1437.31 | 8575.5 | 11533.5 | 40261.9 | 1390 |
| 1048.96 | 7791.51 | 8494.97 | 36115.4 | 1391 |
| 381.55 | 8255.61 | 7863.8 | 33208 | 1392 |
| 1420.8 | 7969.51 | 10133 | 34046.1 | 1393 |
| 939.39 | 6238.57 | 7862.76 | 26498.3 | 1394 |
| 179.9 | 7291.36 | 9152.64 | 27060.1 | 1395 |

۵-۲- تأثیر نرخ ارز بر محصولات صادراتی عمده

• اثرات افزایش نرخ ارز بر صنعت پتروشیمی

صادرات غیرنفتی همواره مورد توجه خاص سیاستگذاران اقتصادی ایران بوده است، زیرا رشد و گسترش آن موتور متحرک مشارکت فعال تر کشور در بازارهای جهانی و به تبع آن رقابتی تر شدن اقتصاد و توسعه کشور است. در این بین در سال‌های اخیر محصولات پتروشیمی نقش بسزایی در رشد صادرات غیرنفتی کشور داشته و سهم آن در کل این صادرات از ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و این تفکر را تقویت کرده است که شاید صنعت پتروشیمی کشور بتواند در آینده‌ای نزدیک اقتصاد ایران را از وابستگی تاریخی‌اش به صادرات نفت خام رهایی بخشد. البته سهم محصولات پتروشیمی پس از سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۲۵ درصد رسیده است. مواد پتروشیمی به گروهی از محصولات شیمیایی اطلاق می‌شود که از طریق تغییر شکل یافتن یا فعل و انفعالات هیدروکربن‌های نفت یا گاز طبیعی تهیه می‌شوند. تولید این محصولات به گونه‌ای است که معمولاً یک واحد اصلی در بالادست، ماده اولیه واحدهای دیگر را تولید می‌کند و بر این اساس شرکت‌های فعال در صنعت پتروشیمی به سه گروه بالادستی (نزدیک به مواد اولیه)، میان‌دستی و پایین‌دستی (نزدیک به محصولات نهایی) تقسیم بندی می‌شوند. در صنعت پتروشیمی، صنایع سرمایه‌برتر و دارای ارزش افزوده کمتری هستند و آلودگی بیشتری نیز به محیط زیست تحمیل می‌کنند. هرچه به محصولات نهایی متمایل شویم، ارزش افزوده بیشتر و سرمایه‌بری کمتر می‌شود.

اهمیت صنعت پتروشیمی از این لحاظ است که این صنعت می‌تواند پیوندهای بین اقتصاد داخلی و بخش نفت و گاز کشور را افزایش دهد و اقتصاد ایران را از خام‌فروشی انرژی به صادرکننده محصولات نهایی با ارزش تبدیل کند. متأسفانه حلقه‌های واسط مابین صنعت نفت و گاز و سایر صنایع تکمیل نشده است. این موضوع سبب شده است که محصولات نفتی و گازی به صورت خام صادر شوند، درحالی که صنایع داخلی بسیاری از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کنند.

حتی صنایع پتروشیمی نیز در مراحل اولیه قرار دارند و هنوز تولید محصولات با فرآوری بیشتر و پیچیده‌تر در داخل سهم بالایی در این صنعت ندارد. در واقع صنعت پتروشیمی می‌تواند با تکمیل حلقه‌های خود و برقراری ارتباط با صنایع داخلی حلقه واسط بین صنعت نفت و گاز و صنایع داخلی باشد. این صنعت از چند منظر می‌تواند این حلقه را تکمیل کند. پتروشیمی با تامین خوراک صنایع مختلف از صنایع شیمیایی گرفته تا داروسازی، خودرو و رنگ، تامین‌کننده مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ی صنایع داخلی خواهد بود. در این زمینه تلاش برای ارتباط

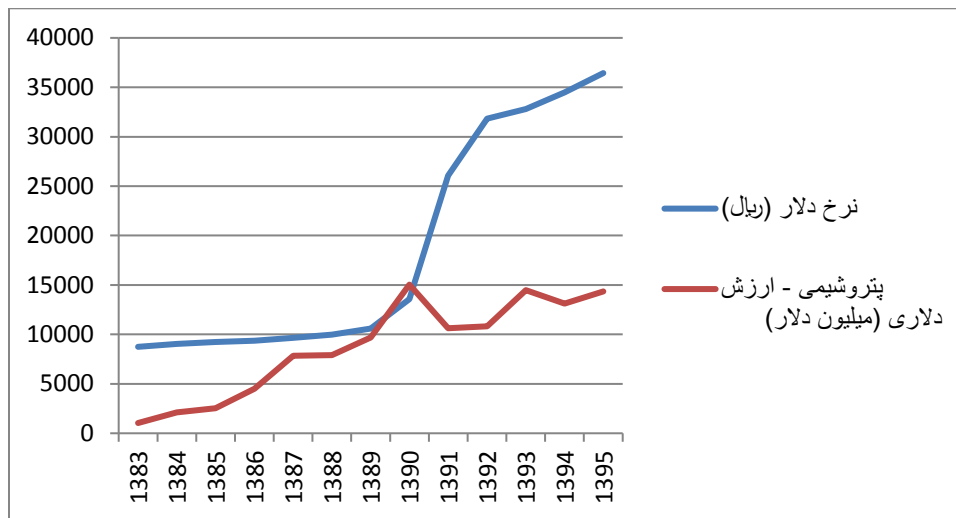
بیشتر با صنایع داخلی و تکمیل حلقه واسط بین این دو صنعت و تاکید بر صنایع هایتک شیمیایی و پتروشیمی می‌تواند ضمن تکمیل این حلقه‌ها، ارزش افزوده بیشتری از نفت و گاز در داخل کشور ایجاد کند.

افزایش نرخ ارز برای مجتمع‌های پتروشیمی صادرکننده تأثیرات مثبتی دارد و این شرکت‌ها همواره مترصد افزایش نرخ ارز هستند تا بتوانند در صحنه بین‌المللی با سایر شرکت‌ها رقابت کنند. این درحالی است که بعضی از واحدهای پتروشیمی نظیر امیرکبیر از این موضوع متضرر می‌شوند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت از آنجایی که خوراک مجتمع‌های پتروشیمی بر اساس قیمت‌های جهانی و به دلار (دلار مبادله‌ای) قیمت‌گذاری می‌شود، افزایش نرخ ارز موجب افزایش بهای تمام شده و در نتیجه کاهش سودآوری شرکت‌های پتروشیمی خواهد شد. اما در نهایت برآیند این دو اثر افزایش بیشتر درآمدهای فروش است و موجب افزایش سود خواهد شد.

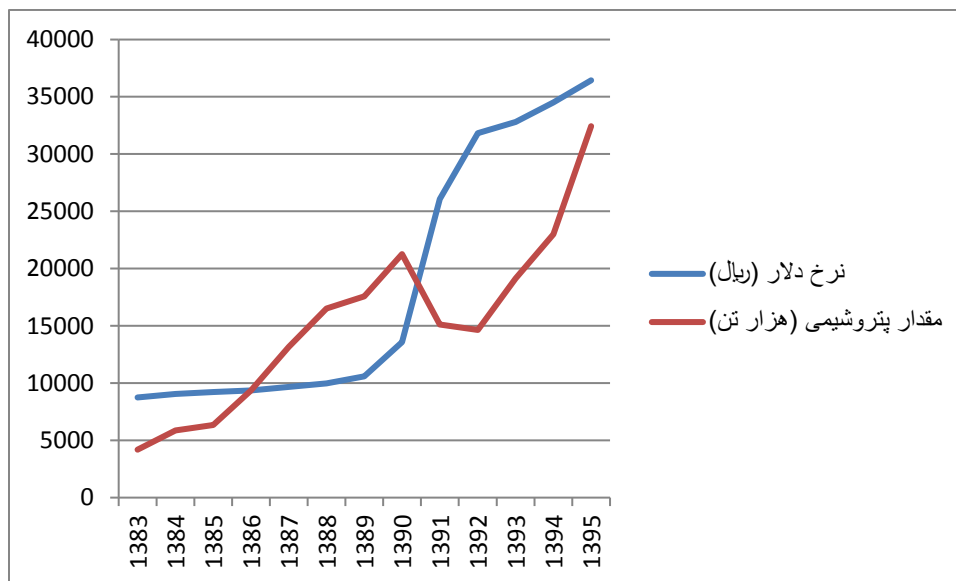
در نمودار ۹ صادرات پتروشیمی و نرخ ارز برای سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ نشان داده شده است. روند کلی صادرات پتروشیمی طی سال‌های مورد بررسی صعودی بوده است،

اگرچه شیب آن بسیار کندتر از شیب افزایش نرخ ارز است. روند صادرات پتروشیمی همانند روند کل صادرات غیرنفتی تا سال ۱۳۹۰ صعودی بوده است و پس از تحریم‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۱ دچار کاهش ۲۹ درصدی شده است. مجدداً در سال ۱۳۹۳ با شکل گرفتن انتظارات مثبت صادرات پتروشیمی افزایش یافت. بیشترین افزایش نرخ دلار مربوط به سال ۱۳۹۱ است که در آن سال ارزش صادرات پتروشیمی و همچنین مقدار آن کاهش یافت. در سال ۱۳۹۴ نیز با وجود افزایش نرخ دلار، صادرات پتروشیمی کاهش یافت.

اگرچه رابطه کلی صادرات پتروشیمی و نرخ ارز مثبت است، اما این موارد استثناء نشان می‌دهند که صادرات پتروشیمی تنها تابعی از نرخ ارز نیست و عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری صادرات تأثیرگذار است. با توجه به اینکه ارزش صادرات تحت تأثیر دو عامل قیمت و مقدار است، در نمودار ۱۰ مقدار صادرات پتروشیمی و نرخ ارز به نمایش گذاشته شده است. مقدار صادرات پتروشیمی با شیب تندتری نسبت به ارزش صادرات افزایش یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش نرخ دلار، مقدار صادرات پتروشیمی افزایش یافته است. البته باید توجه داشت که همواره اقتصاد ایران مطابق با برنامه‌های توسعه به افزایش صادرات غیرنفتی تشویق شده است و از آنجایی که پتروشیمی جزو عمده‌ترین صادرات ایران است، لذا این افزایش مقدار می‌تواند متأثر از این عامل نیز باشد.



نمودار ۹: ارزش صادرات پتروشیمی و نرخ اسمی دلار طی سال‌های ۱۳۸۳-۹۵



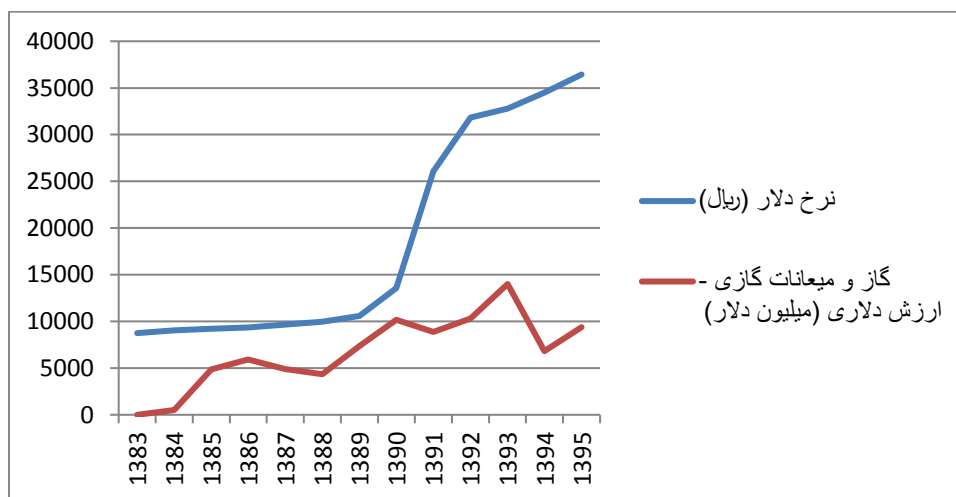
نمودار ۱۰: مقدار صادرات پتروشیمی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

همچنین شاید لازم باشد به این نکته نیز اشاره داشت که وام ارزی این واحدها اثرات فزاینده بر هزینه‌ها و نتایج کاهنده بر درآمد این شرکت‌ها را در پی خواهد داشت. در صورت افزایش نرخ ارز، هزینه مالی و زیان تسعیر ارز شرکت‌های بدهکار ارزی به شدت افزایش خواهد یافت. اما بر اساس اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۰) قانون رفع

موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، شرکت‌هایی که مشمول این قانون می‌شوند وام ارزی خود را با همان نرخ ارز سال دریافت وام خود تسویه کرده و برای سال‌های بعد تا تسویه کامل معادل وام ریالی بهره بردارند. این امر همچنان سبب می‌شود اثر افزایش نرخ ارز بر درآمدها اثر بزرگتری باشد.

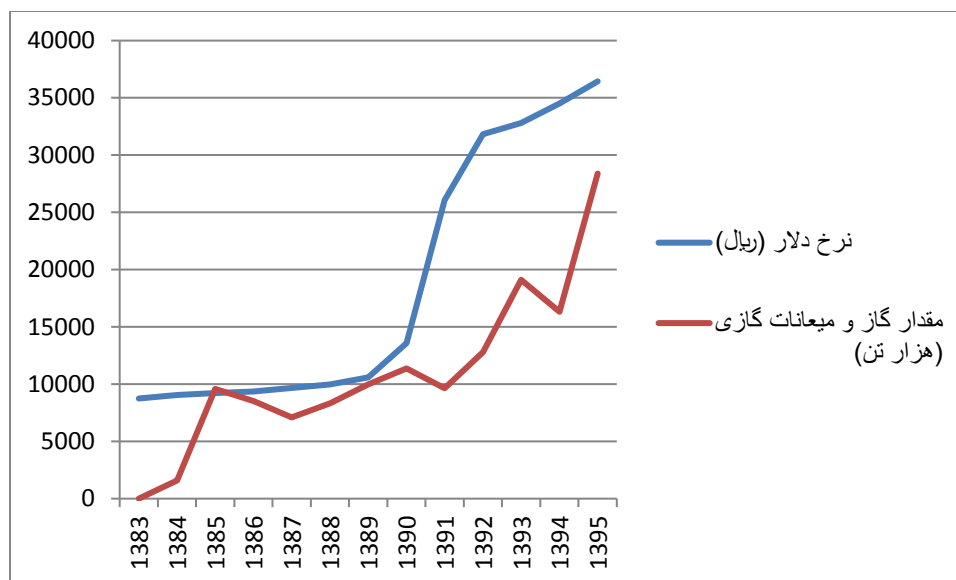
• گاز و میعانات گازی

میعانات گازی^۸ به جریان هیدروکربنی مایعی گفته می‌شود که از پنتان و هیدروکربن‌های سنگین‌تر تشکیل شده و دارای مقدار گوگرد پایینی است و تقریباً ۶۰ درصد از آن را نفتا (محصولی میانی با ارزش جهت تولید بنزین و خوراک واحدهای پایه و مادر صنعت پتروشیمی) و ۳۰ درصد را نفت گازی تشکیل می‌دهد. میعانات گازی، یکی از محصولات ارزشمند استخراج شده از مخازن گازی بوده و قیمت آن کمی بالاتر از قیمت نفت خام در بازارهای جهانی است. این محصولات به همراه محصولات پتروشیمی حدود نیمی از صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱۱: ارزش صادرات گاز و میعانات گازی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

⁸ Condensate



نمودار ۱۲: مقدار صادرات گاز و میعانات گازی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

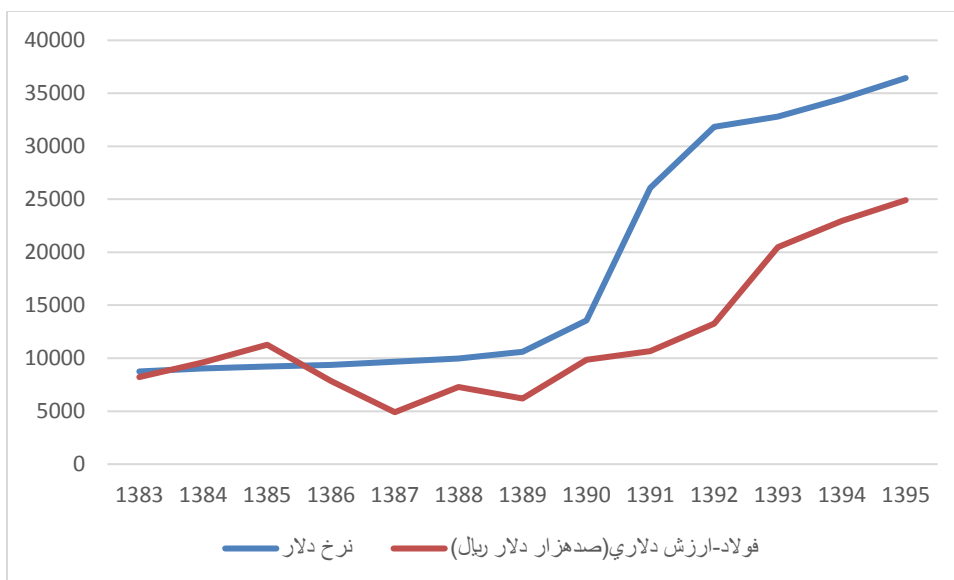
در خصوص گاز و میعانات گازی باید گفت که قیمت مواد اولیه این محصولات به صورت جهانی تعیین می‌شود و اثرات نرخ ارز بر بهای تمام شده کمتر از اثرات آن بر درآمد فروش است و نهایتاً با افزایش نرخ ارز سود این تولیدکنندگان افزایش می‌یابد. بنابراین اثر نرخ ارز بر صادرات گاز و میعانات گازی اثری مثبت تلقی می‌شود. این رابطه در نمودارهای ۱۱ و ۱۲ کاملاً مشهود است. همانطور که مشاهده می‌شود روند ارزش صادرات طی سال‌های مورد بررسی افزایشی بوده است و تنها در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به دلیل تحریم‌های اقتصادی و وجود مشکلاتی در تبادلات و همچنین بیشتر در سال ۱۳۹۴ به دلیل انتخاب ترامپ به عنوان رییس جمهور و ایجاد جو روانی منفی، و به عبارت کلی‌تر انتظارات منفی ایجاد شده، ارزش و مقدار صادرات گاز و میعانات گازی کاهش داشته است. همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد در سال ۱۳۹۳ با توجه به وجود انتظارات مثبت و آغاز مذاکرات برای برجام صادرات افزایش یافته است. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که مطابق با انتظار همبستگی مثبتی بین نرخ ارز اسمی و صادرات گاز و میعانات گازی وجود دارد.

• اثرات افزایش نرخ ارز بر صنعت فولاد

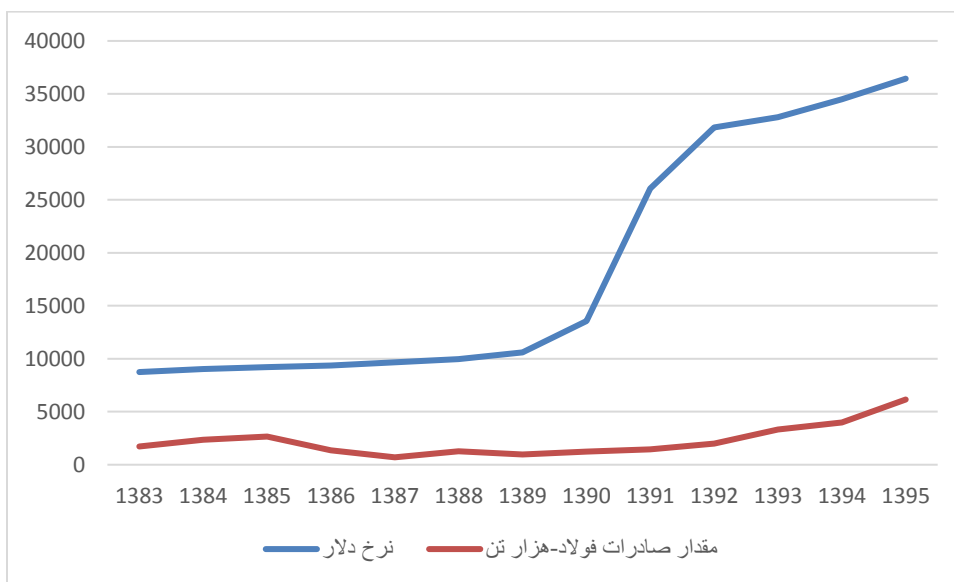
اهداف توسعه صنعت فولاد کشور در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، برنامه‌ریزی برای دستیابی به سهم ۴ درصد صادرات جهانی فولاد است. روند صادرات فولاد و محصولات فولادی ایران از سال ۱۳۹۰ تاکنون نشان‌دهنده افزایش حجم صادرات بوده است. متوسط رشد صادرات در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ برابر با ۱۴ درصد و این رشد متوسط برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ حدود ۲۸ درصد بوده است. اوج صادرات فولادی ایران در سال ۱۳۹۵ با

حجم ۶ میلیون تن رخ داده است. در چند سال گذشته با افزایش حجم صادرات فولادی ایران، مقاصد صادراتی ایران در فولاد خام به‌عنوان بخش مهم در صادرات ایران کشورهای تایلند، تایوان، امارات متحده عربی، عمان، اردن و... بوده‌اند. برای محصولات تخت فولادی کشورهای ایتالیا، امارات متحده عربی، اسپانیا، عمان و... بیشترین سهم واردات از ایران را به خود اختصاص داده‌اند. محصولات طولی فولادی نیز به کشورهای افغانستان، عراق، ترکمنستان، پاکستان و... صادر شده است. با توجه به اینکه صنعت فولاد کشور در چند سال اخیر توانسته تا اندازه‌ای به برنامه‌های پیش‌بینی شده نزدیک شود، اما به‌طور حتم فراهم شدن شرایط برای رسیدن به هدف صادراتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیقی است تا فاصله میان صادرات کنونی و رسیدن به افق ۱۴۰۴ با مشکلات کمتری همراه باشد.

نمودارهای ۱۳ و ۱۴ ارزش صادرات و مقدار صادرات فولاد را برای سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود صعودی بودن روند صادراتی این صنعت در نمودار کاملاً مشهود است. در صورتیکه اثرات مصارف ارزی در تأمین تجهیزات و ماشین آلات و طرح‌های توسعه‌ای شرکت‌های فولادسازی نادیده گرفته شود، در صورت افزایش نرخ ارز این گروه با وضعیت نسبتاً خوبی از حیث افزایش درآمدها مواجه خواهند بود. صرف نظر از اینکه افزایش نرخ ارز منجر به افزایش قیمت شمش و محصولات وارداتی فولادی بوده و این امر وضعیت فولادسازان داخلی را تقویت می‌کند، ولی از حیث مصارف و منابع ارزی در صورتیکه وزن صادرات محصولات این شرکت‌ها بیشتر از واردات (مصارف ارزی) آنها باشد با تعدیلات مثبت عایدی روبرو خواهند بود. نمودار ۱۱ نیز مبین همین اثر است. عمده تأثیر نرخ ارز بر روی مواد اولیه است و از آنجا که مواد اولیه در صنعت فولاد سنگ‌آهن و قراضه است و حدود ۸۵ درصد مواد اولیه فولاد از طریق داخل تأمین می‌شود، بنابراین افزایش نرخ دلار تأثیری آنچنانی بر بازار فولاد داخلی نداشته و بیش از پیش سبب رونق فعالیت صادرکنندگان شده است و در مجموع افزایش نرخ دلار پنجره روشنی را به روی صادرکنندگان باز خواهد کرد.



نمودار ۱۳: ارزش صادرات فولاد و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

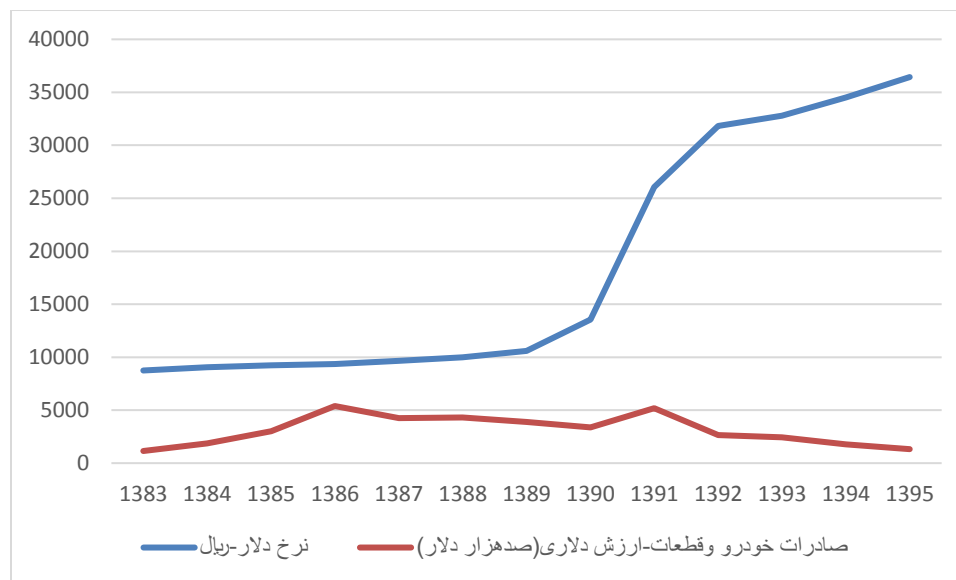


نمودار ۱۴: مقدار صادرات فولاد و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

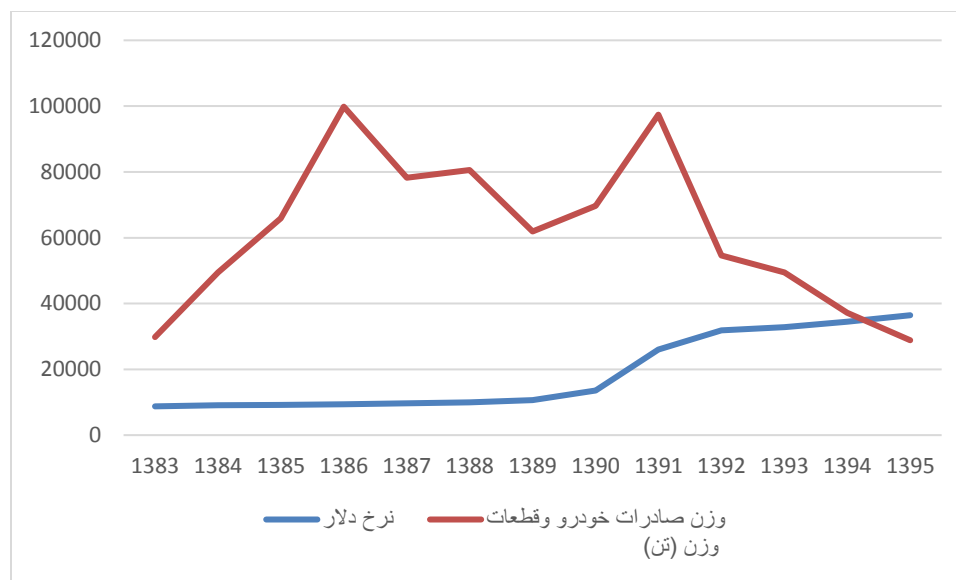
• اثرات افزایش نرخ ارز بر صنعت خودرو و قطعات آن

از آنجا که تولید خودرو در ایران به نهاده‌های وارداتی شدیداً وابسته است و براین اساس بسیاری از اجزای مهم تولید خودرو از مواد اولیه تا قطعات خام و حتی تجهیزات خطوط تولید وارداتی هستند، بنابراین قیمت تمام شده خودرو در داخل تأثیر مستقیمی از نرخ ارز می‌گیرد. بنابر مجموع این موضوعات برخی از کارشناسان افزایش نرخ ارز را به ضرر صنعت خودرو می‌دانند. این موضوع زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که در قراردادهای

مشارکت صنعت خودرو نیز که خودروهای منتخب به صورت قطعات منفصله وارد کشور می‌شوند و برخی از تجهیزات و ابزار خطوط تولید هم وارداتی است، بنابراین افزایش نرخ ارز تأثیر زیادی در هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده محصول نهایی دارد. در این بین اما برخی دیگر از کارشناسان حل این مشکلات را از مسیرهای دیگری چون افزایش بهره‌وری و داخلی‌سازی عنوان می‌کنند و معتقدند که دولت باید به سمت واقعی شدن نرخ ارز برود و از این طریق کاهش واردات قطعات و افزایش صادرات این محصولات را کلید بزند. وجود رابطه منفی بین نرخ دلار و مقدار صادرات خودرو و قطعات را می‌توان در نمودارهای ۱۳ و ۱۴ مشاهده کرد. ارزش صادرات و مقدار صادرات خودرو و قطعات را از داده‌های گمرک، کدهای تعرفه ۸۷۰ استخراج شده است. روند کلی ارزش صادرات خودرو و قطعات تقریباً نزولی است. در سال ۱۳۹۰ و پس از آن با افزایش نرخ ارز، روند کلی ارزش صادرات خودرو کاهش یافته است و این امر نشان می‌دهد که با افزایش نرخ ارز، بهای تمام شده این صنایع افزایش می‌یابد و اثر افزایش بهای تمام شده در این صنایع بیشتر از افزایش درآمدهای آنهاست. مقدار صادراتی خودرو در نمودار ۱۴ نیز مبین همین نتیجه است.



نمودار ۱۵: ارزش صادرات خودرو و قطعات آن و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

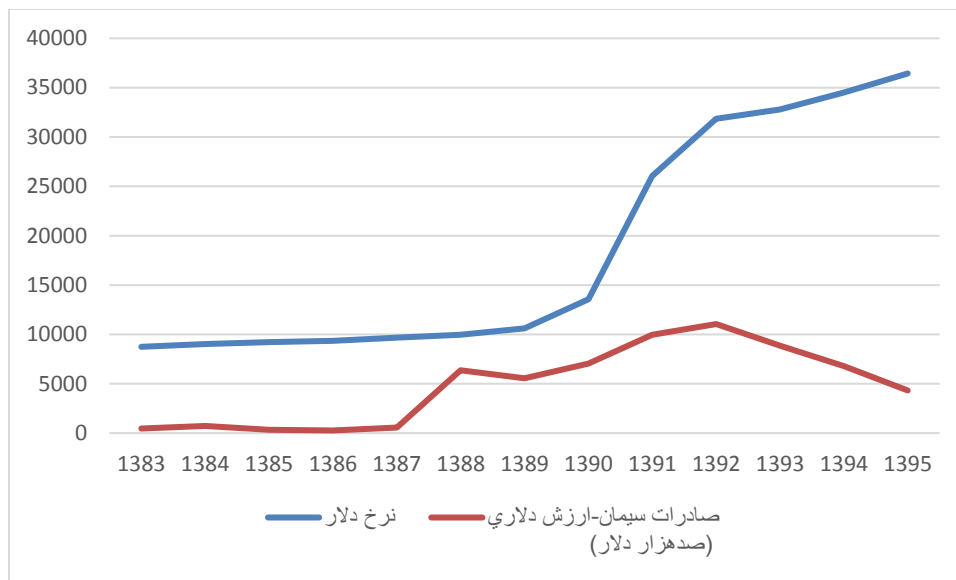


نمودار ۱۶: مقدار صادرات خودرو و قطعات آن و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

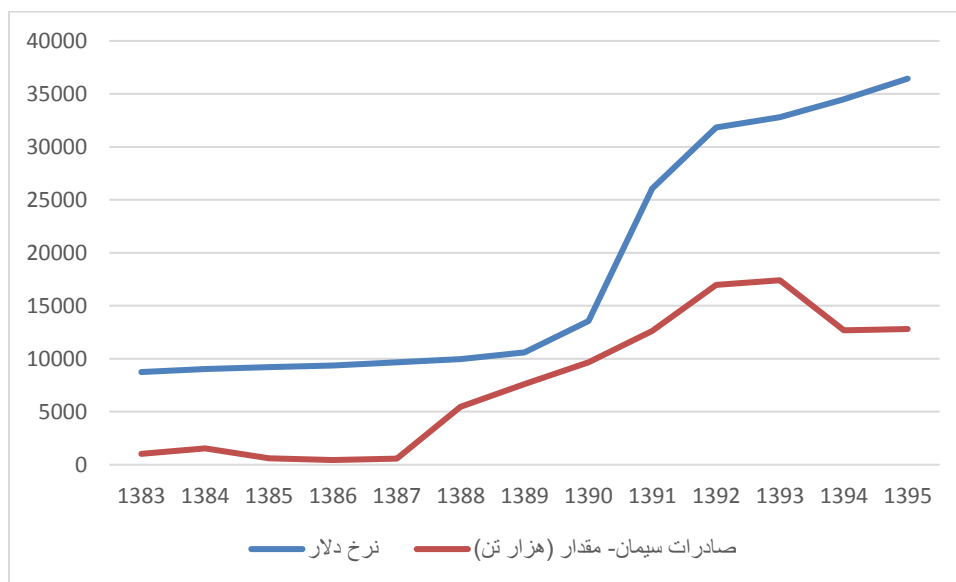
• اثرات افزایش نرخ ارز بر صنعت سیمان

شرکت‌های تولید کننده سیمان که در مجاورت مرزهای کشور قرار داشته و بخشی از تولیدات خود را روانه بازارهای جهانی (کشورهای همسایه) می‌کنند با افزایش نرخ ارز با رشد درآمدهای خود نسبت به آنچه در بودجه پیش بینی کرده‌اند، مواجه خواهند بود.

از آنجا که مواد اولیه سیمان به‌طور کلی در داخل تهیه می‌شود و در این صنعت واردات مواد اولیه انجام نمی‌شود، افزایش نرخ ارز کمترین تأثیر را بر نرخ تمام‌شده سیمان خواهد داشت. اما نکته قابل ذکر این است که طی سال گذشته این صنعت دچار مشکلات زیادی برای صادرات محصولات خود شده است. افزایش ۱۰۰ درصدی تعرفه واردات سیمان عراق از ایران (به عنوان بزرگترین مقصد صادراتی سیمان ایران) و همچنین ربودن سهم صادرات ایران به کشورهای همسایه توسط چین و ترکیه موجب کاهش شدید صادرات به این کشورها شده است. کاهش صادرات سیمان مشاهده شده در نمودارهای ۱۷ و ۱۸ نیز به این دلیل است. بنابراین افزایش نرخ ارز با توجه به مشکلات صادرات سیمان تأثیر چندانی بر این صنعت نخواهد داشت.



نمودار ۱۷: ارزش صادرات سیمان و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

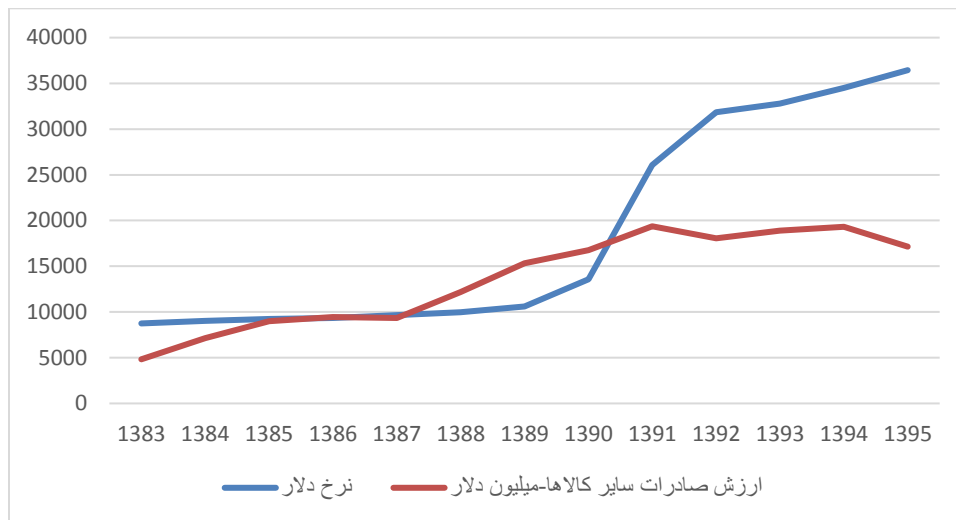


نمودار ۱۸: مقدار صادرات سیمان و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

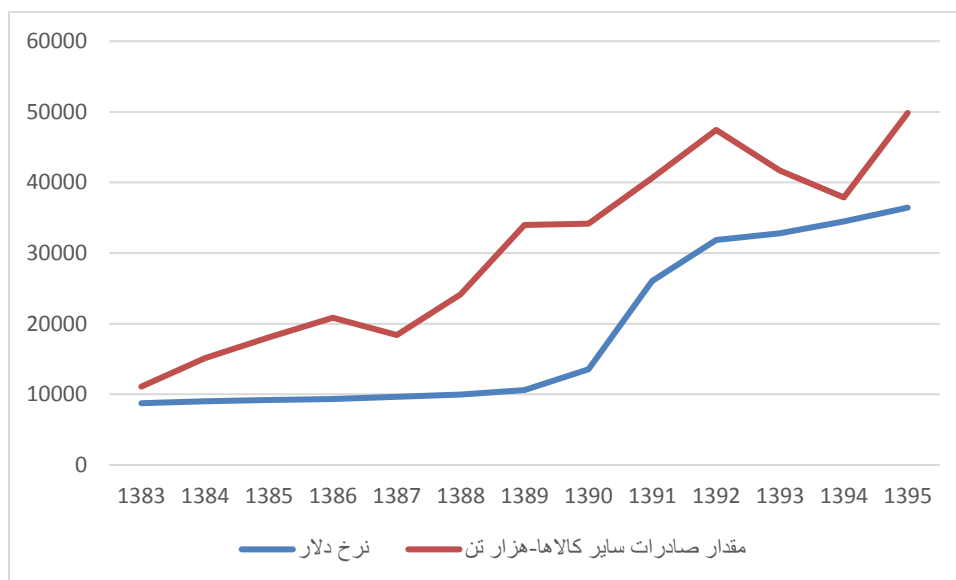
در نهایت نمودارهای ۱۹ و ۲۰ ارزش و مقدار سایر کالاهای صادراتی ایران را در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵ نشان می‌دهند. اگرچه این کالاها به صورت میانگین طی سال‌های مورد بررسی حدود ۲۲ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهند و لذا رابطه بین نرخ ارز و صادرات این کالاها، تأثیر زیادی بر کل صادرات ندارد، اما همانطور که در نمودار ۱۹ مشاهده می‌شود، رابطه بین نرخ ارز و ارزش صادرات سایر کالاها نیز مثبت و مستقیم است. شایان ذکر است که رابطه نرخ ارز و صادرات سایر کالاها به صورت تجمیعی مثبت است و ممکن است این رابطه در برخی از کالاهای

آن مثبت و در برخی دیگر منفی باشد. این امر بستگی به این دارد که تولید آنها چه مقدار وابسته به کالاهای وارداتی است. به عنوان مثال دارو که جزو سایر کالاهاست و از محصولات عمده صادراتی نیست، در صورت افزایش نرخ ارز عمدتاً اثرات و تبعات منفی در درآمدهای خود را از افزایش نرخ ارز تجربه خواهند کرد. شرکت‌های فعال در صنعت داروسازی غالباً وارد کننده مواد اولیه لازم در تهیه انواع داروها هستند. اگرچه برخی از کارخانجات داروسازی به امر صادرات محصول نیز اهتمام دارند، ولی وزن مصارف ارزی آنها بیشتر از منابع ارزی (فروش محصولات) بوده و در مجموع از بازندگان طرح اصلاح نظام ارزی و افزایش برابری ارز در برابر ریال محسوب می‌شوند. این مسئله به شدت حاشیه سود شرکت‌های مذکور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آثار تغییرات نرخ ارز بر صنعت داروسازی در بخش مواد اولیه، نسبت به صنایع دیگر و همچنین استراتژیک بودن کالای تولیدی و ارتباط مستقیم آن با حوزه سلامت از اهمیت مضاعف برخوردار است. پس تغییر نرخ ارز می‌تواند بر سودآوری شرکت‌های دارویی و در نهایت صنعت داروسازی اثرگذار باشد. اما نکته حائز اهمیت این است که صادرات دارو سهم بسیار ناچیزی در صادرات دارد. نمودار ۲۰ نیز اثر مثبت و مستقیمی را بین نرخ ارز و مقدار صادرات سایر کالاها نشان می‌دهد.

در این بخش سعی شد بخش عمده محصولات صادراتی بررسی شود و آثار افزایش نرخ ارز بر صادرات آنها بحث و بررسی شد. سایر صادرات نیز به صورت تجمیعی و با عنوان سایر کالاها بررسی شد که البته سهم اندکی از کل صادرات را به خود اختصاص داده است. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد آثار نرخ ارز بر بخش عمده صادرات اثری مثبت و مستقیم است، لذا مطابق با انتظار و همچنین مطابق با نمودارهای ۵ و ۶ مشاهده شده است که اثر کلی نرخ ارز بر صادرات اثری مثبت خواهد بود.



نمودار 19: ارزش صادرات سایر کالاها و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵



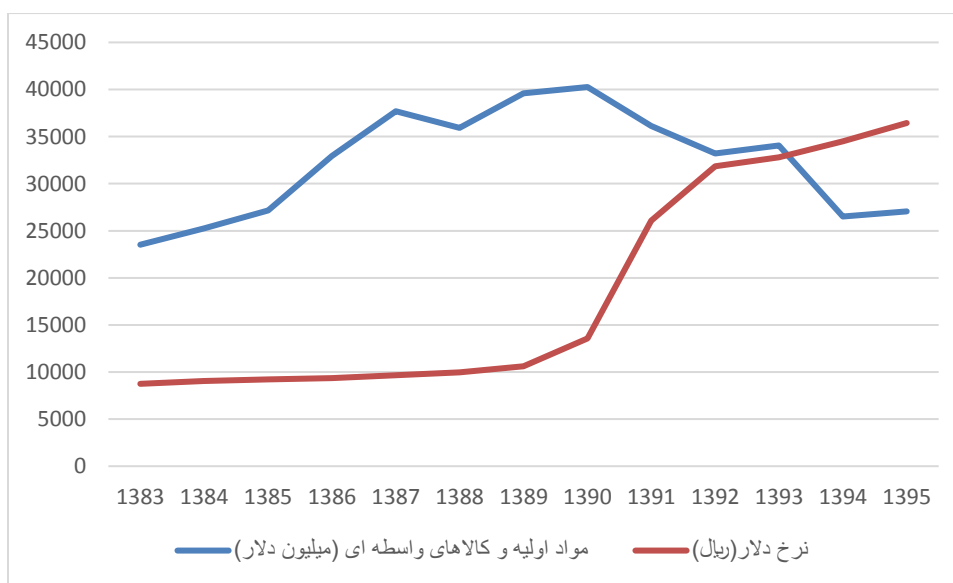
نمودار 20: مقدار صادرات سایر کالاها و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

۵-۳- تأثیر نرخ ارز بر محصولات وارداتی

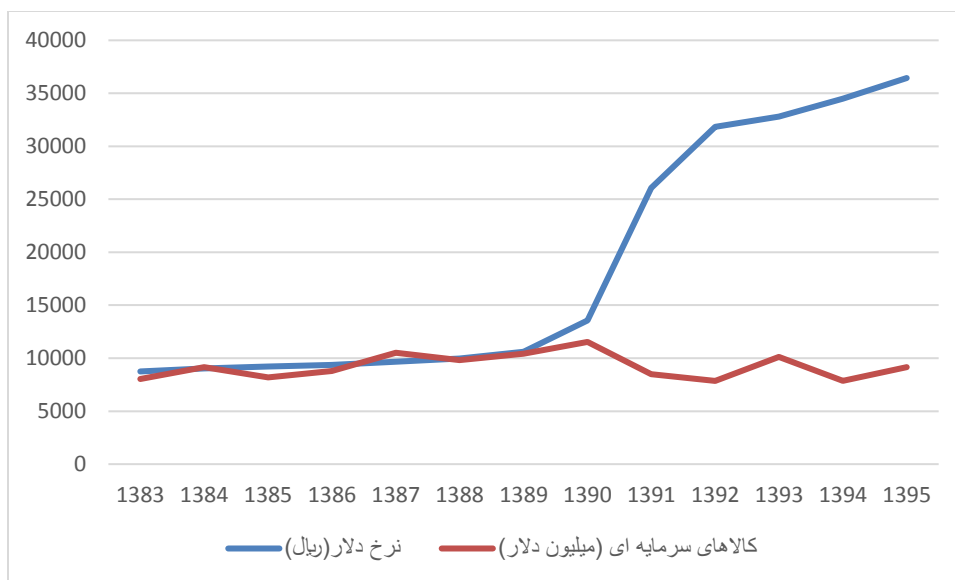
کالاهای وارداتی بر اساس نوع مصرف آنها به چندگروه عمده تقسیم می‌شوند که در جدول ۵ و نمودارهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۳ نشان داده شده است. بیشترین سهم محصولات مربوط به مواد اولیه و کالاهای

واسطه‌ای است که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از کل واردات را تشکیل می‌دهد. همانطور که نمودار ۲۱ نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۰ که تقریباً نرخ ارز باثبات بوده است مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی افزایش یافته است که افزایش تبادلات بین‌المللی ایران از یکطرف و وابستگی اقتصاد کشور به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را از طرف دیگر نشان می‌دهد. شایان ذکر است که افزایش واردات به خودی خود امر نامطلوبی نیست. پس از سال ۱۳۹۰ که نرخ ارز صعودی شد، واردات کالاهای واسطه‌ای در حال کاهش است و نمودار رابطه منفی را بین نرخ ارز و واردات کالاهای واسطه‌ای نشان می‌دهد.

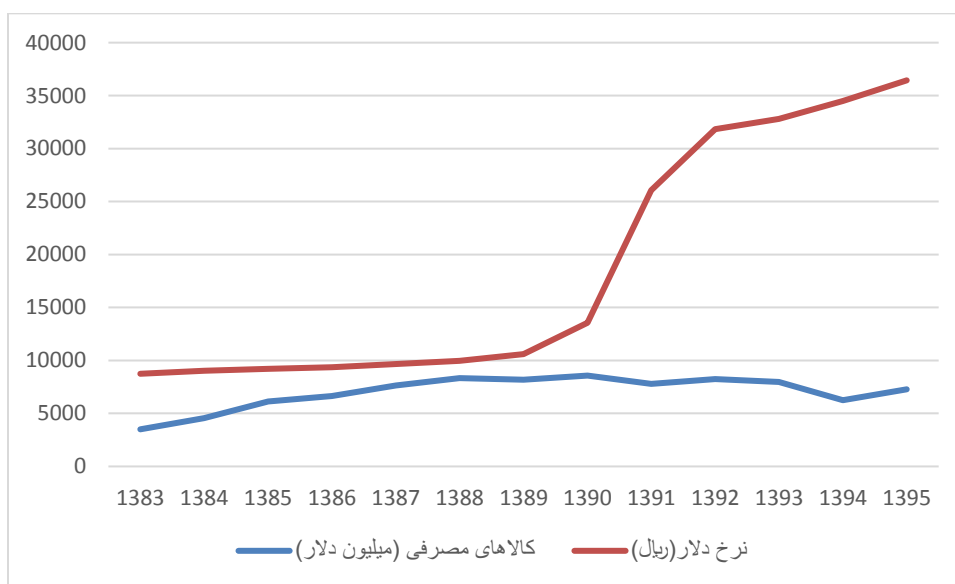
نمودار ۲۲ نیز ارتباط بین کالاهای سرمایه‌ای وارداتی و نرخ ارز را نشان می‌دهد که رابطه منفی بین نرخ ارز و واردات این محصولات در نمودار کاملاً مشهود است. محصولات سرمایه‌ای حدود ۲۰ درصد از کل واردات را تشکیل می‌دهد. نمودار ۲۳ ارتباط بین کالاهای مصرفی و نرخ ارز را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه کالاهای مصرفی دارای کشش کمتری هستند، کمتر از سایر محصولات وارداتی تحت تأثیر تغییرات نرخ ارز بوده‌اند. بنابراین ارتباط منفی بین محصولات مصرفی وارداتی و نرخ ارز کمتر است. نکته قابل توجه این است این محصولات سهم اندکی (حدود ۱۵ درصد) از واردات را به خود اختصاص داده‌اند و نهایتاً تأثیر اندکی در کل واردات دارند. نمودار ۲۴ رابطه نرخ ارز و واردات سایر کالاها را که با عنوان کالاهای طبقه‌بندی نشده در جای دیگر است، نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود با افزایش نرخ ارز، از واردات این کالاها کاسته شده است.



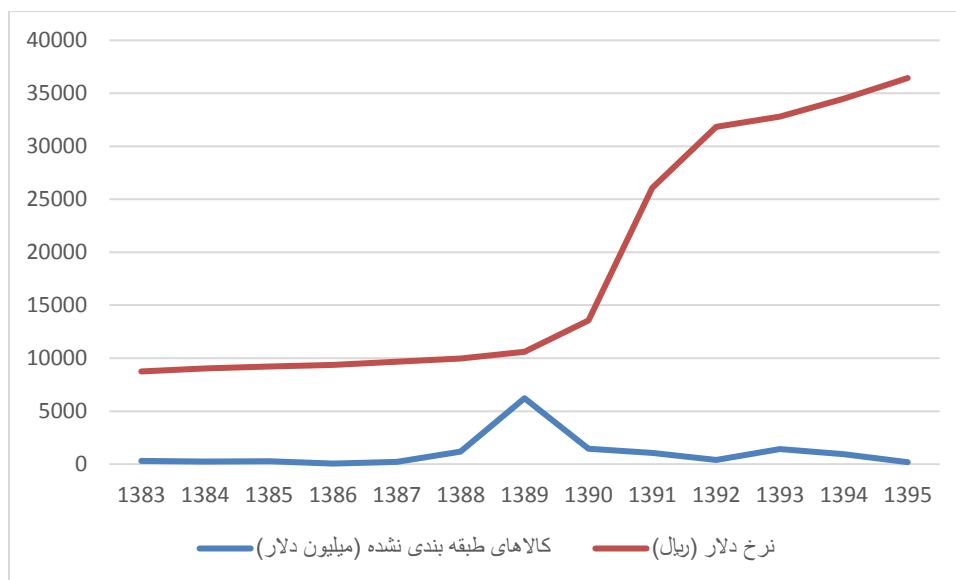
نمودار ۲۱: واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵



نمودار ۲۲: واردات کالاهای سرمایه‌ای و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

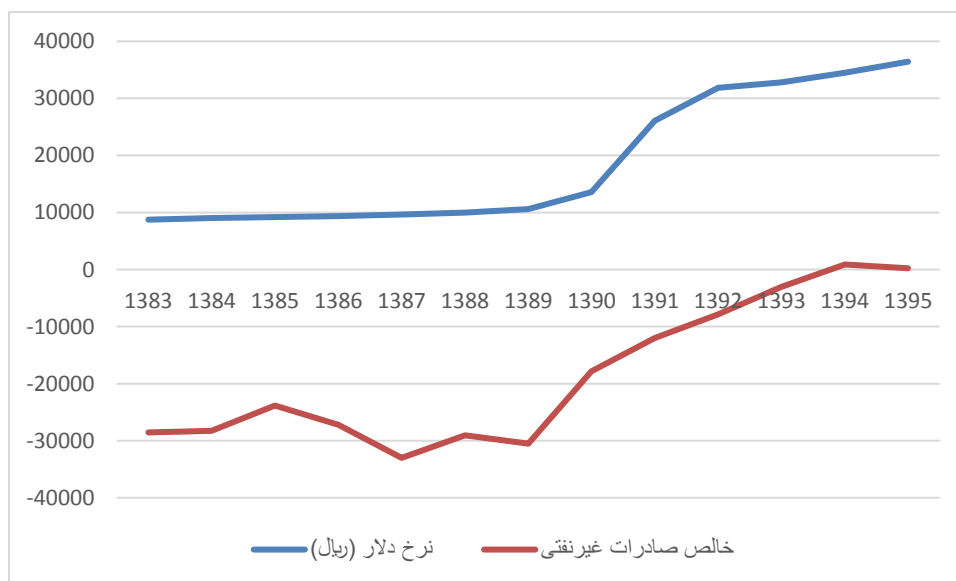


نمودار ۲۳: واردات کالاهای مصرفی و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵



نمودار ۲۴: واردات کالاهای طبقه بندی نشده و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

بنابراین می‌توان گفت مطابق با آنچه پیشتر گفته شد یک همبستگی منفی بین نرخ ارز و واردات وجود دارد. از این رو افزایش نرخ ارز، صادرات را افزایش و واردات را کاهش می‌دهد و نهایتاً سبب افزایش تراز تجاری غیرنفتی می‌شود. این امر در نمودار ۲۵ نمایش داده شده است.



نمودار ۲۵: تراز تجاری و نرخ اسمی ارز طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۵

۶- جمع‌بندی

مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران همواره یکی از چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاران اقتصاد کشور بوده و در همه دوره‌ها در محافل آکادمیک و سیاستگذاری اقتصاد ایران مباحث چالش‌برانگیزی حول نحوه تعیین نرخ ارز در جریان بوده است.

تغییر نرخ ارز، مجموعه‌ای از تغییرات متفاوت و حتی متضاد را در بخش خارجی و داخلی اقتصاد به همراه دارد که برآیند آن می‌تواند عملکرد اقتصاد کشور را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار دهد. تعیین نرخ ارز از یک طرف نقش موثری در صادرات و واردات و به تبع آن تنظیم و تعدیل تراز تجاری و تراز پرداخت‌های کشور دارد و از طرف دیگر نقش موثری در تعیین قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی و به تبع آن تعیین میزان تولید و اشتغال برخوردار است. تعیین نرخ ارز همچنین می‌تواند بر سطح عمومی قیمت‌ها و به تبع آن تورم نیز موثر باشد. بنابراین با توجه به پیامدهای گسترده تغییر نرخ ارز برای عملکرد اقتصاد ایران، مدیریت نرخ ارز اهمیت بسیار بالایی دارد.

دو طرز تفکر عمده در ارتباط با تأثیر نرخ ارز بر صادرات وجود دارد، برخی بر اساس تئوری معتقدند که تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی، اثری مثبت و مستقیم است. اما برخی دیگر بر این اعتقاد هستند که به علت وابستگی محصولات صادراتی کشور ما به محصولات وارداتی، بهای تمام شده محصولات صادراتی افزایش می‌یابد و نهایتاً درآمد صادرات کاهش می‌یابد.

همانطور که گفته شد بر اساس آمارهای گمرک، حدود نیمی از صادرات ایران را میعانات گازی، گاز و محصولات پتروشیمی و ...^۹ تشکیل می‌دهند که همه آنها به نوعی فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن هستند. شایان ذکر است که قیمت این محصولات و مواد اولیه تولید آنها به صورت جهانی تعیین می‌شود و عوامل موثر بر عرضه و تقاضای جهانی بر قیمت آنها موثر است و نوسانات نرخ ارز در ایران نمی‌تواند اثری بر قیمت این محصولات داشته باشد. با افزایش نرخ ارز درآمد و بهای تمام شده این محصولات افزایش می‌یابد، اما نکته مهم این است که اثر افزایش درآمد بیش از اثر افزایش بهای تمام شده در تولید این محصولات است و نهایتاً افزایش نرخ ارز سبب افزایش صادرات می‌شود (حداقل در کوتاه‌مدت).

اما سایر محصولات صادراتی که بیشتر صنایع پایین‌دستی و کالاهای نهایی هستند وضعیت متفاوتی دارند. اکثر این محصولات به شدت به محصولات واسطه‌ای وارداتی وابسته هستند و نهایتاً افزایش بهای تمام شده ناشی

^۹ در بخش سایر کالاها در جدول ۳ نیز برخی از محصولات، مشتقات نفت محسوب می‌شوند.

از افزایش نرخ ارز در بهای تمام شده تولید این محصولات بیش از اثر افزایش درآمدی است. با افزایش بهای تمام شده، قیمت کالاهای تولیدی افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند مزیت صادراتی کشور را در تولید این محصولات دچار مشکل کند و در نهایت منجر به اضمحلال صنایعی پایین دستی کشور شود. به عنوان مثال صنعت خودرو که وابستگی شدیدی به تجهیزات مصرفی و سرمایه‌ای وارداتی دارد و نسبت به رقابت خارجی بسته‌تر است، جزو صنایعی است که پس از افزایش نرخ ارز اسمی دچار مشکل می‌شود.

محصولات وارداتی با افزایش نرخ ارز گرانتر خواهند شد و این امر سبب می‌شود که یک ارتباط منفی بین نرخ ارز و واردات وجود داشته باشد. محصولات سرمایه‌ای و واسطه‌ای بیشترین واردات کشور را تشکیل می‌دهد که کشش بیشتری به نرخ ارز دارند و با افزایش نرخ ارز انتظار کاهش این محصولات وارداتی وجود دارد. محصولات مصرفی وارداتی به دلیل کم کشش بودن نسبت به نرخ ارز، وابستگی منفی کمتری به نرخ ارز دارند. اما از آنجایی که بخش اعظم واردات، محصولات سرمایه‌ای و واسطه‌ای هستند، لذا رابطه کلی واردات و نرخ ارز رابطه منفی است.

نتایج این گزارش حاکی از آن است که در اقتصاد ایران افزایش نرخ ارز سیاست مناسبی برای بالا بردن سطح صادرات غیر نفتی است. زیرا آنچه مهم است این است که بیشتر محصولات صادرات غیرنفتی کشور به گونه‌ای فرآورده‌های نفتی محسوب می‌شوند و به مواد اولیه وارداتی وابسته نیستند، لذا تأثیر مثبتی از افزایش نرخ ارز می‌گیرند. اما باید توجه داشت که با افزایش نرخ ارز و مطابق آن افزایش تورم در بلندمدت، بهای تمام شده افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند موجب تورم بیشتر شود. توصیه این گزارش پرهیز از قیمت‌گذاری مصنوعی نرخ ارز و تعهد به حفظ نرخ ارز رقابتی بر اساس حفظ قدرت رقابت محصولات است. تصورات معمول مبنی بر اینکه با حمایت‌گرایی می‌توان رشد و صادرات را افزایش داد، چندان درست نیست. برعکس، صادرات و تولید در صنایعی بالاتر بوده است که به میزان بیشتری در معرض رقابت خارجی بوده‌اند.

منابع

- احمدی شادمهری، محمدطاهر و احمدیان یزدی، فرزانه (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر نرخ ارز حقیقی بر تراز تجاری غیرنفتی ایران در روابط تجاری با کشور آلمان»، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال نوزدهم، ش ۴.
- بررسی اقتصادی صنعت پتروشیمی ایران، گروه تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه، مرداد ۱۳۹۳
- پدرام مهدی، شیرین‌بخش شمس‌اله، رحمانی مریم. (۱۳۹۰). «پویایی‌های منحنی J در تجارت خارجی ایران». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۱۳۹۰؛ ۱۹ (۶۰): ۵-۱۸
- تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشور همسایه در یک دهه گذشته، تهیه شده در دفتر خدمات بازرگانی، سازمان توسعه تجارت ایران (مهر ماه ۱۳۹۵).
- توکلی، اکبر، سیاح، محسن. «تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی کشور»، (۱۳۸۹)، پول و اقتصاد، شماره ۴، ص ۷۷-۵۹.
- سبحانیان، سیدمحمدهادی، بررسی اثرگذاری نرخ ارز بر تراز تجاری در ایران: مروری بر مباحث نظری و تجربی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲.
- شاکری، عباس. عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳، ص ۲۳-۵۰.
- عسگری، منصور. «اثر نوسانات نرخ واقعی ارز بر عملکرد صادرات صنایع منتخب ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، پاییز ۱۳۸۷، ۱۲، شماره ۴۸، ص ۱۰۳-۱۳۱.
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵/ ۱۰ / ۱۹
- ملاحظات در خصوص نرخ ارز در ایران، کمیسیون توسعه صادرات، دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی، مجامع و شوراها، اتاق ایران.
- <https://www.amar.org.ir>
- <https://databank.mefa.ir/>
- <https://data.worldbank.org>
- donya-e-eqtasad.com
- <https://www.cbi.ir/>
- <http://www.irica.gov.ir/>
- <http://zamanzadeh.blogfa.com>

پیوست: تعریف واژگان

- **تراز تجاری (Balance of trade):** در برخی از منابع از آن به «صادرات خالص» یاد می‌شود، تفاوت میان ارزش پولی واردات و صادرات خروجی در طی یک دوره معین است. در حقیقت تراز تجاری معیار رابطه بین واردات و صادرات کشورها است. مقدار مثبت آن (اگر صادرات بیشتر از واردات باشد) به نام «مازاد تجاری» مشخص و مقدار منفی به نام «کسری تجاری» یا «شکاف تجاری» مشخص می‌شود. به طور خلاصه تراز تجاری نتیجه خالص صادرات یک جامعه اقتصادی است و مانده مثبت نشان‌دهنده صادرات بیشتر و مانده منفی نشان‌دهنده واردات بیشتر خواهد بود. اگر در این تعریف بخش نفت را لحاظ نکنیم، تراز تجاری غیرنفتی حاصل می‌شود.
- **سرکوب مالی (Financial Repression):** این واژه بیان‌کننده کلیه اقداماتی است که از طریق آن، دولت‌ها منابع مالی را بسوی خود هدایت کرده تا مبلغ بدهی‌های خود را کاهش دهند. این مبحث توسط دو اقتصاددان به نام‌های مک کینون و ادوارد شا در سال ۱۹۷۳ معرفی گردید. سرکوب مالی شامل یک یا چندین اقدام دولت از قبیل اعطای تسهیلات به دولت، تعیین سقف برای نرخ سود، اعمال محدودیت‌ها برای تراکنش‌های مالی بین کشورها، و ایجاد روابط نزدیک‌تر بین دولت و بانک‌ها می‌شود.
- **نرخ‌های ارز اسمی و حقیقی:** نرخ ارز اسمی نرخ‌های اسمی، نرخ است که شخص می‌تواند با آن نرخ، پول یک کشور را با پول کشور دیگر مبادله کند. نرخ حقیقی ارز نرخ است که در آن نرخ یک شخص می‌تواند کالاها و خدمات یک کشور را با کالاها و خدمات کشور دیگر مبادله کند. می‌توانیم محاسبه نرخ حقیقی ارز را با فرمول زیر خلاصه کنیم:

$$\text{نرخ ارز حقیقی} = \frac{\text{قیمت داخلی} * \text{نرخ ارز اسمی}}{\text{قیمت خارجی}}$$